

احتراز مجلس ملی از ورود پاریس بواسطه اعتماد نداشتن مجلس مزبور ب مردم پاریس بود . چه مردم آن شهر در اکتبر ۱۸۷۰ و ژانویه ۱۸۷۱ دو بار در صدد کودتا و ایجاد انقلاب بر آمده بودند . انتقال مجلس ملی ب پاریس که توهینی ب مردم پاریس و نشان مخالفت آن مجلس با حکومت جمهوری بود ، اهالی پایتخت را خشمگین ساخت و در آن شهر موجب انقلابات خونین گردید . مردم پاریس که از اوضاع سیاسی و حقیقت جنگ اطلاع کامل نداشتند . شکست فرانسه را بخیانت برخی از زعمای قوم منسوب میسر کردند و مخصوصاً چون اکثریت و کلای مجلس ملی نیز با سلطنت طلبان بود بدان مجلس اعتماد کامل نداشتند . علاوه برین عقاید سوسیالیسم از چندی پیش در مردم پاریس رسوخ یافته بود و میانین عقاید مزبور که در طبقات کارگر نفوذ بسیار یافته بودند . چون حکومت فرانسه را ناتوان و طبقه کارگر شهر را که هنگام محاصره پاریس برای دفع دشمن مسلح شده بود آماده کار دیدند ، بر آن شدند که بزور بر حکومت غالب شده و مسائل انجام مقاصد مسلکی خویش را فراهم سازند .

در آغاز ماه مارس ۱۸۷۱ جمهوری طلبان پاریس بعنوان دفاع از حکومت جمهوری و مخالفت با سلطنت طلبان ، جمعیتی مرکب تشکیل کردند و مجمع مزبور فی الحقیقه در صدد ایجاد انقلاب بود . یکماه پیش از آن نیز زمانیکه حکومت دفاع ملی با آلمان بمذاکرات صلح مشغول بود سپاهیان داو طلب شهر پاریس ، یعنی جمهوری طلبان ۲۲۷ توپ و ۴۰۰۰۰۰ تفنگی را که از جانب حکومت دفاع ملی باینان داده شده بود ضبط کرده بودند .

در روز هجدهم مارس دو دسته از سپاهیان فرانسه مأمور گرفتن توپ هائی که جمهوری طلبان ضبط کرده و بمحلّه

من مارترا برده بودند. لکن جمعی از مردم شهر و سپاهیان داوطلب جمهوری خواه داخل لشکریان دولتی شده آنانرا بمساعدت باجمه‌وری خواهان و مخالفت با دولت برانگیختند. بالنتیجه افراد سپاه سر از اطاعت فرماندهان خویش پیچیدند و دو نفر از صاحب منصبان را بیگناه تیر باران کردند و این واقعه موجب جنگ داخلی سختی شد که فریب دو ماه دوام یافت.

تی‌یر بجای آنکه در شهر بدفع انقلابیون و مخالفین دولت پردازد از پاریس خارج شد و حتی برخی از قلاع مهم پایتخت را نیز باختیار یاغیان گذاشت. انقلابیون نیز در پاریس دولتی تشکیل کرده مردان شهر را عموماً مسلح ساختند و سپاهی بجانب ورسای فرستادند تا مجلس ملی را از آنجا برانند. لکن اینمقصود انجام نیافت و قوای دولت بریشان غالب گشته جمعی از سران سپاه آنانرا دستگیر و تیر باران کرد.

قوای دولت مرکب از اسرای سپاه فرانسه در آلمان بود که بموجب مصالحه ورسای از قید اسارت نجات یافته بوطن باز گشته بودند و عدد آنان به ۱۵۰،۰۰۰ نفر میرسید. تی‌یر با قوای مزبور پاریس را محاصره کرده پس از پنج هفته بشهر داخل شد و جنگ سپاهیان دولت و انقلابیون در کوچهای پایتخت یکپهفته دوام یافت. شورشیان تمام عمارات بزرگ پاریس مانند بلدییه و قصر سلطنتی و عدلیه و اداره پلبس و مغازه‌های بزرگ و بسیاری از خانهای شهر را آتش زدند و از طرفین قریب ۶۵۰۰ نفر بهلاکت رسیدند. سرانجام قوای دولت بر شورشیان غالب آمد و تی‌یر بر پایتخت مسلط شده ۱۳،۰۰۰ نفر از مردم پاریس را بحبس و اعمال شاقه

و تبعید محکوم نمود .

استقراض دولت و پرداخت
غرامت آلمان

تی پر چون از انقلاب پاریس آسوده خاطر
شد در صدد برآمد که زودتر غرامت
جنگ را با آلمان پرداخته خاک وطن را از

وجود سپاهیان بیگانه پاک سازد . بموجب مصالحه فرانکفورت مقرر
شده بود که دولت فرانسه مبلغ پنج میلیارد فرانک در ظرف سه سال
بدولت آلمان بپردازد و تا زمانیکه تمام اقساط پرداخته نشده است
سپاهیان آلمان در ایالات شمال شرقی فرانسه بمانند . تی بر برای
اینکه زودتر سپاه دشمن را از مملکت بیرون کند در پرداخت اقساط
غرامت تسریع کرد . چنانکه یکسال پیش از مهلت مقرر پنج میلیارد
غرامت را تماماً پرداخته مملکت را از وجود بیگانگان مصفا ساخت .
برای پرداخت غرامات تی بر باستقراض از ملت فرانسه متوسل شد .
فرانسویان نیز درین امر شدت علاقه خویش را با استقلال وطن نشان
دادند . چنانکه در سال ۱۸۷۲ بجای سه میلیاردی که دولت فرانسه
خواسته بود چهل و سه میلیارد پرداختند . علاوه برین برای جبران
خسارات جنگ و تأدیة قروض دولت ، مجلس ملی مالیاتهای جدیدی
بر وسائل حمل و نقل و کبریت و اجتماعات و غیره وضع کرد که
جمع آن در سال بالغ بر هشتصد میلیون بود .

پس از انعقاد صلح فرانکفورت مجلس ملی برآن شد که بر
قوای لشکری فرانسه بیفزاید و آنها بپایه قوای آلمان رساند . پس
نخست قانونی وضع کرده خدمت لشکری را برای عموم فرانسویان
از بیستساله تا چهلساله اجباری ساخت (۱۸۷۲) ، سپس برمخارج
وزارت جنگ بیفزود و با آنکه دولت آلمان برین امر اعتراض کرد ،
اصلاح امور لشکری را بر سایر امور مقدم داشت .

استغفاء تی پر و ریاست
جمهور ماک ماهون

در همانحال که تی پر با موافقت مجلس ملی
بجبران شکست فرانسه و اصلاح امور مالی
و لشکری مملکت مشغول بود ، در باب تعیین

طرز حکومت رسمی و قطعی فرانسه میان او و مجلس اختلافی روی
داد که بالاخره بکناره گیری وی از ریاست جمهور منجر شد .

مجلس ملی ، چنانکه سابقاً گذشت ، نخست فقط برای آن
تشکیل شده بود که از جانب ملت فرانسه با آلمان صلح کند . لکن
پس از انعقاد صلح مجلس مزبور خود را صاحب اختیاراتی در ردیف
اختیارات مجلس مؤسسان شمرده بوضع قانون اساسی موقتی و تعیین
تی پر بمقام ریاست جمهور پرداخت (اوت ۱۸۷۱) .

تی پر که خود از سلطنت طلبان بود کم کم بحکومت جمهوری
متعایل شد ، لکن معتقد بود که حکومت جمهوری فرانسه باید میحافظه
کار و متین باشد . پس از آنکه سپاه آلمان فرانسه را ترک گفت
و قانون خدمت لشکری اجباری از مجلس ملی گذشت ، تی پر موقع
را برای تعیین طرز حکومت قطعی فرانسه مناسب دید . پس مجلس
ملی را بانجام این امر دعوت کرد و خود بحکومت جمهوری اظهار
میل نمود . لکن اکثریت مجلس که مرکب از طرفداران خانواده
ارلئان و بوربن و بناپارت بود با حکومت جمهوری مخالفت کرد
و چون تی پر طرح قوانین اساسی را که مبنی بر استقرار حکومت
جمهوری بود بمجلس ملی برد ، مجلس قوانین مزبور را رد کرد
و بالتبجه تی پر از ریاست جمهور کناره گرفت .

پس از استغفای تی پر مجلس ملی مارشال ماک ماهون را به
ریاست جمهور برگزید (فوریه ۱۸۷۶) و چون او از جمله سلطنت
طلبان بود ، طرفداران سلطنت درصدد انجام مقاصد خویش برآمده

دست جمهوری طلبان را از امور دولتی کوتاه کردند. در همان حال بین هوا خواهان خانواده ارلئان و بوربن نیز موافقتی حاصل شد و کنت دپاری نواده لوئی فیلیپ بقصر فرسدرف^۱ واقع در اطیش که مقر کنت دشامبر بود رفته او را پادشاه فرانسه خواند و از حق خود چشم پوشید. پس سلطنت طلبان با کنت دشامبر بمذاکره پرداختند و بالاخره او را پادشاهی برگزیده هانری پنجم خواندند و در صدد تهیه تشریفات و انجام مراسم ورود وی پاریس برآمدند. لکن ناگهان اختلاف کوچکی بین شاه جدید و طرفداران خانواده ارلئان پدید آمد و بدان واسطه بازگشت سلطنت فرانسه بخانواده بوربن میسر نگشت. طرفداران خانواده ارلئان میخواستند که بیرق سه رنگ زمان لوئی فیلیپ بیرق رسمی فرانسه باشد و شاه جدید بیرق سه رنگ را نشانی از انقلاب شمرده بقبول آن تن نداد و بهمین سبب سلطنت وی صورت نگرفت.

قراس اساسی چون موضوع سلطنت کنت دشامبر موقوف ماند
سلطنت طلبان مجدداً ماگ ماهون را که کاملاً مطیع
سال ۱۸۷۵ ایشان بود هفت ساله برناست جمهوری بر گزیدند

(نوامبر ۱۸۷۳) و امیدوار بودند که درین مدت با کنت دشامبر سلطنت و قبول بیرق سه رنگ راضی شود و یا پس از مرگ وی کنت دپاری پادشاهی رسد. در همان حال دولت فرانسه که از وزیرای سلطنت طلب بدبده آمده بود بازار جمهوری خواهان پرداخته بجراید ایشان را نوقیف کرد و بسیاری از آنان را بعنوان مختلفه بچس انداخت. معیناً حزب جمهوری خواه در مجلس ملی روز بروز قویتر میشد و ترقی آن نتیجه زحمات گامبنا بود که از شهری

بشهر دیگر سفر کرده با ایراد خطابه و تشکیل مجامع بر طرفداران جمهوری میفرود .

در سال ۱۸۷۵ مجلس ملی چون دانست که اکثر مردم فرانسه هوا خواه حکومت جمهوری هستند ناچار بتصویب قوانین اساسی چند ماده قانون تشکیل مجلس سنا و قانون انتخاب و کلاهی مجلس مبعوثان پرداخت . بموجب قوانین اساسی سال ۱۸۷۵ حکومت فرانسه رسماً جمهوری شده قوه مجریه برآیس جمهور و قوه مقننه بمجلسین سنا و مبعوثان تفویض گشته است .

رئیس جمهور هفت سال یکبار از جانب مجلسین سنا و مبعوثان که بعنوان مجلس ملی بایکدیگر نوأم میشوند انتخاب میشود . انتخاب وزراء و اعضاء اداری مملکت و امضای عهد نامهها و ترتیب امور لشکری از جمله وظایف و اختیارات اوست . قوانینی که از مجلسین میگردد نیز بایستی باامضاء رئیس جمهور برسد و او میتواند باموافقت مجلس سنا مجلس مبعوثان را منحل کند . رئیس جمهور را در هیچ امری مسئولیت نیست و مسئول مجلسین وزراء هستند که از جانب رئیس جمهور انتخاب میشوند و هرگاه یکی از مجلسین باقانونی که وزراء تصویب آنرا خواستهاند موافقت نکند و آنرا رد نماید وزراء مجبورند که بی درنگ از کار کناره گیرند .

مجلس سنا از سیصد نفر نماینده تشکیل میشود که بایستی لااقل هنگام انتخاب شدن چهل سال داشته باشند . تا سال ۱۸۸۴ هفتاد و پنج تن از اعضاء سنا برای تمام عمر انتخاب میشدند و انتخاب این عده در سال ۱۸۷۵ از جانب مجلس ملی انجام گرفت و بموجب قانون اساسی مقرر شد که بعد از آن مجلس سنا خود آنرا انتخاب کند . بقیه و کلاهی سنا نه سال یکبار انتخاب میشوند و انتخاب يك ثلث

آنان سه سال یکبار تجدید میشود . انتخاب اعضاء سنا از جانب مجمعی انجام می یافت که درحکومت نشین های هرابالت از وکلای مجلس مبعوثان و مستشاران ولایتی و نمایندگان شوراهای بلدی تشکیل میشد . لکن این ترتیب ، چنانکه خواهد آمد ، در سال ۱۸۸۴ تغییر یافت .

وکلای مجلس مبعوثان چهار سال یکبار انتخاب میشوند و تمام مردان فرانسوی ازیست و یک سالگی درانتخابات شرکت می توانند کرد .

مجلس دوگانه بایستی همه سال درماه ژانویه دفتوح شود و لااقل درسال پنجماء منعقدباشد . اختیارات مجلسین نیز بسیاراست . چنانکه علاوه بر تصویب قوانین و عوائد و مخارج ممالکنی درباب صلح و جنگ و معاهدات نیز حق رأی دارند و در هر موقع وزرای مسئول را استیضاح میتوانند کرد . صورت عوائد و مخارج ممالکنی هر سال بایستی نضت بتصویب مجلس مبعوثان رسد و پس از آن بمجلس سنا رود پس از وضع قوانین اساسی مجلس ملی منحل شد (دسامبر ۱۸۷۵) و دولت در صدد انتخاب وکلای مجلسین سنا و مبعوثان برآمد و تا بیستم فوریه ۱۸۷۶ انتخابات هر دو مجلس پایان رسید . در مجلس سنا سلطنت طلبان اندک اکثریتی داشتند ، لکن در مجلس مبعوثان اکثریت با جمهوری طلبان بود . همین سبب ماک مامون نیز ناچار وزرای خویش را از جمهوری طلبان برگزید .

در اواخر سال ۱۸۷۷ چون انتخابات شورا های بلدی و ولایتی تجدید میشد ، سلطنت طلبان از ترس آنکه مبادا وزرای جمهوری طلب انتخابات مزبور را بمصالح حزب خویش خانمه دهند . ماک مامون را بر آن داشتند که ژول سیمون^۱ رئیس الوزرای وقت

را که از جمله طرفداران حکومت جمهوری بود از آن مقام برداشته **دوک دو برگلی** را که از سلطنت طلبان بود بجای وی گمارد . دوک دو برگلی نیز چون بریاست وزرانی رسید مجلس مبعوثان را با موافقت سنا منحل کرد و برای اینکه در انتخابات بلدی و غیره اعمال نفوذ نماید، تشکیل مجلس دیگر را نیز پنجمه بتعویق انداخت . لکن باز چون انتخابات پایان رسید جمهوری طلبان در مجلس اکثریت داشتند و ماک ماهون با آنکه هوا خواهان سلطنت بکودنا تحریکش کردند . بدان امر غیر قانونی تن نداده ناچار مطیع مجلس گشت .

ماک ماهون ناسال ۱۸۷۹ رئیس جمهور فرانسه بود . در آغاز سال مزبور جمهوری طلبان در صدد برآمدند که دست برخی از سرداران سلطنت خواهر را از امور لشکری کوتاه کنند ، لکن ماک ماهون معتقد بود که امور لشکری را از سیاست دور باید داشت و چون جمهوری طلبان در مقصود خود اصرار کردند از ریاست جمهور استعفا کرد (۳۰ ژانویه ۱۸۷۹) .

پس از استعفای ماک ماهون جمهوری طلبان **ژول گروی** رئیس مجلس را بجای وی انتخاب کردند و گام بنا را که از طرفداران صدیق جمهوری بود بریاست مجلس برگزیدند .

پس از آنکه زمام حکومت فرانسه بدست جمهوری طلبان افتاد بانجام دو امر اساسی پرداختند ، یکی تجزیه سیاست و مذهب و کوتاه کردن دست کتیشان و روحانیون از امور تعلیم و تربیت و غیره . دیگری توسعه مستعمرات فرانسه در سایر قطعات عالم .

امور دو گانه فوق بدست **ژول فری** که شش سال مقام ریاست

وزرانی داشت و از جمهوری طلبان مدبر کار آزموده بود انجام گرفت .
مخالفت جمهوری طلبان با روحانوں بیشتر بواسطه طرفداری ایشان
از مخالفین جمهوری در زمان مجلس ملی بود و فی الحقیقه صورت
انتقام سیاسی داشت .

فکر توسعه مستعمرات نیز برای توسعه امور اقتصادی و رفاهت با
تجارت آلمان و امریکا در جمهوری طلبان رسوخ یافت و مخصوصاً
دولت جمهوری فرانسه میخواست با تصرف نواحی جدید در دول
معظمه اروپا ثابت کند که از شکست ۱۸۷۱ فرسوده و ناتوان نشده
و کمافی السابق در سبست عالم بازقیان خویش برابری میتواند کرد .
ژول فری در ظرف چهار سال (۱۸۸۱ تا ۱۸۸۵) معالک تونس
و آلام و تنکن را بر متصرفات فرانسه بیفزود و مقدمات تسخیر سودان
و کنگو و ماداکاسکار را نیز فراهم ساخت .

تجدید نظر در سال ۱۸۸۵ جمهوری طلبان برای اینکه از احیارات
مجلس سنا بکاهند و طرز انتخاب و کلاهی مجلس
مزیور را که غالباً بزبان فرقه ایشان انجام می یافت ،
تغییر دهند . در قانون اساسی سال ۱۸۷۵ غیرانی دادند و بالنتیجه
انتخاب و کلاهی سنارا ، که برای تمام عمر انتخاب میبندند نیز که
کرسی های ایشان را بین ولایات مختلفه تقسیم نمودند و بر سرحد
و کلاهی شهر های بزرگ . که تا آن زمان مانند بلاد کوچک و قصبات
فقط حق انتخاب بک و کیل داشتند . افزوده بدین طریق در مجلس سنا
نیز اکثریت یافتند

در سال ۱۸۸۹ که صدسال از تاریخ آغاز انقلاب
کبیر فرانسه میگذشت . دولت مزبور بافتخار
آن انقلاب در پاریس نمایشگاهی بین المللی
نمایشگاه بین المللی
سال ۱۸۸۹

ترتیب داد و در آن نمایشگاه که بیشتر معرف ترقیات فرانسه در فن معماری و صنایع مختلفه بود قریب ۳۲ میلیون از ملل مختلفه عالم بتماشا رفتند، ولی از سلاطین ممالک خارجی بجز ناصر الدین شاه پادشاه ایران و سلطان تونس، برای اینکه نمایشگاه مزبور بافتخار انقلاب کبیر فرانسه ترتیب داده شده بود، کسی نماند که آن نرفت. برج معروف **ایفل** را نیز برای نمایشگاه سال ۱۸۸۹ ساختند. این برج سیصد متر ارتفاع دارد و سرایا از آهنست. برپا کنندگان آن یکی از مهندسین فرانسه موسوم به ایفل بود.

از سال ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۹ سه امر مهم در فرانسه روی داد که قابل ذکر است. اول موضوع حفر **تنگه پاناما**، دوم اقدامات **آناشیست ها** و قتل رئیس جمهور، سوم موضوع **دریفوس**.
از سال ۱۸۸۱ شرکتی برآست یکی از فرانسویان موسوم پاناما به **فردیناند دولسپس** برای حفر تنگه پاناما در امریکای مرکزی تشکیل یافت. لکن پس از چندی مخارج شرکت بیش از حدی که پیش بینی شده بود گردید و شرکت با آنکه باستقراض پرداخت مانجم مقصود موفق نشد و ناچار در ماه فوریه ۱۸۸۹ اعلان انحلال داده درصدد تصفیه حساب برآمد، در همان حال شهرت یافت که برخی از وکلای مجلس سنا و مبعوثان از شرکت رشوه گرفته و در عوض، برخلاف قانون با آن مساعدتهائی کرده اند. در نتیجه این اتهام جمعی از وکلای سنا و مبعوثان و سیاسیون محاکمه شدند، ولی محکمه، جز یکی از وزرای سابق فوائده عامه و شخص **فردیناند دولسپس**، همگی را تبرئه کرد. انحلال شرکت

حفر تنه پاناما و اتهام و کلاهی مجلسین موجب آن شد که دست رؤسای احزاب جمهوری طلب از امور دولتی کونا گشت و اشخاصی تازه بر سر کار آمدند .

اقدامات در اواخر قرن نوزدهم عده قلیلی بنام آارشیت در فرانسه وجود داشتند که مرامشان آزاد کردن افراد آارشیتها از قید اجتماعات بود . آارشیتها تنکلات حزبی نداشتند و معتقد بودند که مقصود خویش را با عمل بایستی انجام دهند . پس پیروی این عقیده بکشتن اشخاص و آتش زدن عمارات و امثال آن پرداختند و از آن جمله در ۲۴ ژون ۱۸۹۴ **کارنو** رئیس جمهور فرانسه را که در سال ۱۸۸۷ بجای ژول گروی انتخاب شده بود ، در شهر لیون بقتل رسانیدند . بالنتیجه دولت نیز قانونی از مجلس گذرانید که بموجب آن آارشیتها از حقوق عمومی کلیه محروم شدند و جرائد و مطبوعات ایشان توقیف گشت .

در ۱۵ اکتبر ۱۸۹۴ یکی از صاحب منصفان توپخانه موسوع در موس فرانسه موسوم به آلفرد دریفوس منهم شد که برخی از اسرار لشکری را بوسیله مکتوب بی امضای بی تاریخ بر نماینده نظامی یکی از دول بیگانه فاش کرده است . پس وزارت جنگ منهم مزبور را توقیف نموده در محکمه نظامی میحا که کرد و بالنتیجه او را از تمام درجات لشکری خلع نموده تبعید دائمی ، حکوم ساخت در همانحال نایب رئیس مجلس سنا موسوم به **شور کستر** و یکی از صاحب منصفان عالی رتبه سپاه که **پیکار** نام داشت ، معتقد به آارشیتها در دریفوس بودند ، و مکتوبی را که مبنای اتهام او بود ، بجانب

منصب دیگری موسوم به **استرهازی**^۱ منسوب مینمردند . پس درخواست کردند که در حکم دریفوس تجدید نظر شود و محاکمه استرهازی را نیز خواستار شدند . محکمه نظامی استرهازی را جلب و محاکمه کرد . لکن او را تبرئه نمود و تبرئه وی در فرانسه موجب غوغائی عجیب گردید . در آن ضمن یکی از نویسندگان بزرگ فرانسه موسوم به **امیل زولا**^۲ که پیش از آن هم از دریفوس دفاع کرده بود باز در باب بیگناهی وی در جریده **ارور**^۳ مراسله ای بعنوان «مقصر میدانم»^۴ خطاب بر رئیس جمهور منتشر ساخت و در آن مراسله محکمه نظامی را متهم کرد که دریفوس را بیگناه محکوم نموده و استرهازی را با آنکه فی الحقیقه مقصر بوده تبرئه کرده است . مراسم زولا در مراکز سیاسی و قضائی و مجلسین تأثیر غریب نمود و رؤسای وزارت جنگ برای «حفظ شرافت خود» آن نویسنده بزرگوار را بمحکمه جنائی جلب کردند و با آنکه در اظهار خویش محو بود بعد اکثر مجازات یعنی یکسال حبس و سبصد فرانک جریمه محکوم ساختند (سوم فوریه ۱۸۹۸) .

درین گیر و دار **بریسون**^۵ رئیس الوزرای فرانسه معتقد بیگناهی دریفوس بود ولی کاونیاک وزیر جنگ او را مقصر می پنداشت و برای اثبات عقیده خویش دو فقره سندی را که یکی از صاحب منصبان لشکر موسوم به **هانری**^۶ برای وی فرستاده و مؤید تقصیر دریفوس بود رسماً در مجلس مبعوثان قرائت کرد ، لکن پس از چند ماه هانری اقرار نمود که اسناد دو گانه مزبور ساختگی بوده است و چون او را بزندان انداختند انحرار کرد . پس هیئت وزراء

۱ - Esterhazy . ۲ - Émile Zola . ۳ - Aurore .
۴ - Accuse . ۵ - Brisson . ۶ - Henry .

درخواست تجدید نظر در حکم دریفوس را بدیوان عالی تمیز فرستاد و محکمه مزبور حکم محکمه نظامی را نقض نمود و موضوع مجدداً به محکمه نظامی شهر رن ارجوع شد. لکن آن محکمه باز دریفوس را مقصر شمرد و فقط در حکم قید کرد که مقصر میتواند از تخفیفات قانونی مجازات استفاده نماید. پس رئیس جمهور فرانسه تبعید ابدی دریفوس را بدهسال حبس تخفیف داد. در سال ۱۹۰۴ باز چون معلوم شد که برخی از اسناد جعلی و اوراق راجع بموضوع دریفوس سابقاً بدیوان تمیز و محکمه نظامی رن فرساده نشده است، دیوان تمیز مجدداً آن امر رسیدگی کرد و حکم محکمه نظامی رن را نقض نمود (۱۲ ژویه ۱۹۰۶).

موضوع دریفوس بسیاری از مردم فرانسه را نسبت برؤسای امور لشکری و صاحب منصبان عالی رتبه وزارت جنگ بدین و خشمگین ساخت و مبدأ اقداماتی بر ضد تشکیلات لشکری گردید. از طرفی در تشکیلات حزبی فرانسه نیز مؤثر افتاد و از آن پس در مجلس فرانسه احزاب تازه ای پیدا شد.

از جمله امور مهمه ای که در آغاز قرن بیستم در فرانسه روی داد تجزیه مذهب از دوات و کوتاه کردن دست تسلط پاپ و نمایندگان وی از امور معارفی و سیاسی بود. پس از مرگ پی نهم در سال ۱۸۷۸ **لئون سیزدهم** که پاپی آزادیخواه و روشن فکر بود، بجای وی انتخاب شد. ولی پس از وفات وی **کاردینال سارتو**، که در استبداد رأی و مخالفت با افکار جدیده نظیر **گرگوار شانزدهم** بود، بناه پی دهم بمقام پاپی رسید و با حکومت جمهوری فرانسه در بسیاری از مسائل مذهبی

و معارفی مخالفت کرد . بالاخره بر سر تغییر دو نفر از کشیشان فرانسه بین او و دولت فرانسه اختلاف شدید روی داد و چون پاپ در مخالفت پایداری کرد . دولت فرانسه سفیر خویش را از دربار واتیکان احضار نمود و امیل کونپ ، رئیس الوزرای فرانسه قانونی از مجلس گذرانیده مذهب را از دولت معزاکرد و افراد ممالک را در مذهب خویش آزاد نهاد و از مقامات مذهبی فرانسه جنبه رسمی و اختیارات قانونی سابق را سلب نمود .

تعمیرات اساس فرانسه
از سال ۱۸۷۰
از آغاز جمهوری سوم فرانسه قوانین مفیده بسیاری در فرانسه وضع شد که موجب ترقیات معنوی و مادی آن مملکت گردید . مهمترین قوانین مزبور قوانین مربوط به معارفست که از سال ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۴ مندرجاً بتصویب رسید . بموجب قوانین مذکور برای دختران نیز مدارس متوسطه تأسیس شد و تعلیمات ابتدائی همچانی و اجباری گشت و بدین واسطه بودجه تعلیمات مقدماتی که در زمان سلطنت ناپلئون سوم قریب دوازده مایون بود از سال ۱۸۸۸ بحد میلیون رسید . در قانون نظام اجباری نیز تغییراتی پدید آمد و در سال ۱۹۰۵ مجلس فرانسه مدت خدمت لشکری را از پنج سال بدو سال تخفیف داد . و در عوض آنرا برای عموم طبقات مردم اجباری ساخته امتیازاتی را که قانون پیش برای برخی از طبقات قائل شده بود لغو کرد . ولی در سال ۱۹۱۳ بواسطه ترفی فوق العاده سپاه آلمان مجلس فرانسه مدت خدمت نظام اجباری را سه سال تعیین نمود .

در سال ۱۸۹۴ مجلس فرانسه برای ترویج صنایع داخلی و جلوگیری از رقابت خارجیان قانون تجارت آزاد را که در سال

۱۸۶۰ بتصویب رسیده بود لغو کرد و مجدداً برای مال التجارهای خارجی حقوق گمرکی معین نمود .

از آغاز جمهوری سوم دولت فرانسه در اصلاح حال طبقات کارگر و فقیر میکوشید و برای انجام این مقصود قوانین چندی اصلاح طبقات مزبور از مجلس گذرانید . از آنجمله یکی قانون ۱۸۸۴ است که یکارگران اجازه اجتماع و تشکیل مجامع صنعتی داد. دیگری قوانین ۱۸۹۲ و ۱۹۰۰ که مدت کار زنان و اطفال را در کارخانها و معادن محدود ساخت و استخدام اطفالی را که کمتر از سیزده سال دارند بکلی ممنوع داشت . در سال ۱۹۱۹ هم قانون از مجامع گذشت که بموجب آن مدت کار روزانه هر کارگر هشت ساعت تعیین شد و این قانون در احوال روحی کارگران سخت مؤثر افتاد . قوانین مفید دیگری نیز برای کمک بوراث کارگرانی را که بواسطه احتراق معادن یا حوادثی نظیر آن مقتول میشوند . یا کارگرانی که بعات سیری از کار باز میمانند . وضع شده و ازینحیه زندگانی طبقات کارگر رو بهبودی نهاده است .

فصل سیزدهم

اوضاع اطریش هنگری از ۱۸۶۰ تا ۱۹۱۴

دولت اطریش از سال ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۷ تغییر بسیار کرد و حکومت مستبد آن مملکت بحکومت مشروطه اطریش هنگری مبدل شد که تا زمان جنگ بین اعلان پایدار بود .

چنانکه در فصول پیش گذشت فرانسوا ژوزف از سال ۱۸۴۸ بسطنت رسید و تا سال ۱۹۱۷ نصرت و نه سال پادشاهی کرد . در مملکت اطریش فقط شخص سلطان وسیله ارتباط ملل مختلفه آن سرزمین بود . چه عموم ملل گوناگون اطریش واحزاب و طبقات شخص امپراطور را بگانه حامی و بنسببان خویش می پداشتند و گمان میکردند که بی موافقت وی مقاصد ایشان امکان پذیر نیست .

فرانسوا ژوزف پادشاهی اندهمت وجاه طالب و مناکبر بود و چون بر اطرافیان خویش دیده بی اعتمادی منگرست . غالب امور را برادشخصی خویش انجام میداد . سعی او در مرتبه اول آن بود که قوای لشکری اطریش را ترقی دهد و بدین طریق با ممالک معظم اروپا همسری کند .

س از تکست اطریش در سال ۱۸۵۹ از فرانسه و ایتالیا مردم هنگری از درصده انقلاب را آمدند و چون خزانه مملکت نیز تویی بود و فرانسوا ژوزف منازعات داخلی را زیان آور مبدید بر آن شد که حکومت استبدادی را بحکومت مشروطه مبدل کند . لکن برای تهیه این امر در اتخاذ دو طریقه مختلف مردد بود . یکی تشکیل حکومت محدودی و جداگانه اطریش . بدین طریق که هر ملتی

را در اداره امور داخلی خویش استقلال دهد و در شهر وین مجلسی از نمایندگان دیت‌های ایالات مختلفه تأسیس کند و آن مجلس از جاب‌عموم ملل متحده در مسائل عمومی، مانند امور لشکری و مالی و اقتصادی و روابط اطریش با سایر دول و امثال آن رسیدگی و مشورت نماید. دپلر آنکه از اختیارات دیت‌های ایالات مختلفه در امور داخلی کاسنه حکومت مرکزی را تفویض کند و دو مجلس اعیان و مبعوثان از بزرگان و نجبا و نمایندگان ملل منوعه مملکت در شهر وین تأسیس نماید.

امپراطور برای اتخاذ یکی از دو طریق مذکور موضوع را به شورای امپراطوری رجوع کرد و چند تن از معاریف بزرگان مملکت را نیز بر اعضای شورای مزبور بیفزود. اکثریت شورای امپراطوری طریقه نخستین را تصویب کرد و امپراطور نیز در ۲۰ اکتبر ۱۸۶۰ فرمانی صادر نموده به دیت‌های ایالتی اجازه وضع قوانین داد و مجلسی بهمان نام شورای امپراطوری از نمایندگان دیت‌ها برای مشاوره در امور عمومی ممالکی تأسیس نمود. لکن اتخاذ این طرفه با دو اشکال مهم مواجه شد. یکی آنکه آزادی طلبان آلمانی نژاد اطریش خواستار حکومت مرکزی توانا و وضع قانون اساسی و تأسیس مجلس مبعوثان واقعی بودند و بدین سبب با طرز جدید حکومت مخالفت میکردند. دیگر آنکه مردم هنگری از فرمان امپراطور استفاده سوء نموده، اقداماتی را که دولت اطریش از سال ۱۸۴۸ بدون تصویب دیت ایشان کرده بود ناصواب بشمرند و از قبول قوانینی که پس از سال مزبور وضع شده بود خود داری می نمودند. پس امپراطور ناچار طریقه دوم را اتخاذ کرد و در سال ۱۸۶۱ فرمان

دیگری صادر نموده اختیارات دیتهای ایالتی را محدود ساخت و شورای امپراطوری را بمجالس دوگانه اعیان و مبعوثان تبدیل کرد. بموجب فرمان جدید مجالس دوگانه را در وضع قوانین و تصویب عواید و مخارج کل مملکتی اختیار تام بود و وزراء مملکت که از جانب شاه انتخاب میشدند مسئول مجلسین بودند. بدین طریق حکومت اطریش مشروطه شد. لکن این طرز نیز دوامی نکرد. زیرا مردم هنگری و بهم با آن سخت مخالفت کردند و از فرستادن نمایندگان خویش بمجالس دوگانه خود داری نمودند.

امپراطور چون طریقه دوم را نیز مفید نیافت باز، درصدد چاره جوئی بر آمد و با زعمای هنگری برای رفع اختلاف بمذاکره پرداخت. لکن در همان حال جنگ اطریش و پروس (۱۸۶۶) پیش آمد و شکست سادوا منتهی شد. پس از شکست سادوا چون بیم آن بود که در داخله مملکت نیز انقلاباتی پدید آید، فرانسوا ژرف بی درنگ با مجارها معاهده کسرد و پوست^۱ صدر اعظم اطریش با فرانسوا آک^۲ رئیس حزب آزادیخواه اعتدالی دبت هنگری طرز حکومت امپراطوری اطریش را بطریق ذیل معین کردند:

اولا بموجب معاهده جدید دول اطریش و هنگری در تحت امر سلطن واحد از هر جهت با یکدیگر یکسان شدند و از آن پس دولت اطریش بدولت اطریش هنگری موسوم گشت. ثانیاً ایالات هنگری و روالسی و اسلاوی^۳ و ترانسیلوانی جزء دولت هنگری شمرده شد و مقده ایالت دیگر ممالک از منضمات اطریش محسوب گردید. ثالثاً امور ممالکی بدو قسمت گشت، یکی امور عمومی مانند روستا ممالک با سایر دول و امور لشکری و مالی و دیگر

امور مربوط بمصالح و منافع مشترك دولتين. مثل مسائل تجارتي و گمركي و مسائل مربوط بطرق و شوارع و راه آهنها و امثال آن. امور عمومي دو مملكت بدست وزراي واحد اداره ميشد و مملكتين را وزارت ماليه و جنگ و خارجه واحد بود. امور مربوط بمصالح و منافع مشترك دولتين نیز در مجلسي از نمايندگان ديت هنگري و مجلس اطريش موسوم به ريشيرات حل و عقد ميشد و اين مجلس سالي دو دفعه، يكبار دروين و يكبار در بوداپست، تشكيل مي يافت.

پس از اتحاد اطريش و هنگري هريك از آن دو دولت در امور داخلي خويش مستقل گشت، ولي امپراطور بر هر دو مملكت سلطنت ميكرد و فرمانده كل سپاه محسوب ميشد. ديت هنگري مركب از دو مجلس بود، يكي مجلس اشراف كه از نجبا و بزرگان مملكت تشكيل مي يافت و اعضاء آن راشخص شاه انتخاب ميكرد، ديگري مجلس نمايندگان كه وكلاي آن بنا بر آراء عمومي انتخاب ميشدند. عده نمايندگان مجلس مزبور ۴۵۳ و دوره آن پنجسال بود.

در اطريش نیز ريشيرات مركب از دو مجلس بود، يكي مجلس اعيان و ديگري مجلس مبعوثان. وكلاي مجلس اعيان از طرف شخص شاه و نمايندگان مجلس مبعوثان از جانب ملل ايالات هفده گانه انتخاب ميشدند و عده وكلاي مجلس مبعوثان ۲۰۳ نفر بود.

اختلافات ملي يكي از مسائل مهمه داخلي اطريش مسئله اختلافات ملي آنسر زمين بود. چنانكه سابقاً گفته شد در اطريش در امور مملكتي بدست آلمانها اداره ميشد و زبان آلماني زبان

رسمي مملكت بشمار ميرفت. پس از آنكه اطريش و هنگري در اداره امور داخلي مستقل شدند. ملل مختلفه ديگر نیز، كه ضميمه دوات اطريش شده بودند، مانند چكها و اسلاوها در خواست استقلال اداري و داخلي كردند.

ولی اختلاف اساسی بر سر زبان بود، زیرا، و اطریش زبان نشانه ملیت محسوب میشد. آلمانیها میخواستند که زبان آلمانی در سراسر مملکت زبان رسمی شمرده شود، ولی اسلاوها و چکها بدین امر راضی نمیشدند و میگفتند که تمام السنه ملل مختلفه اطریش بایستی آزاد باشد و زبان آلمانی را در ادارات و محاکم و مدارس بر سایر السنه امتیازی ندهد.

ملل مختلفه اطریش برای دفاع از حقوق ملی خویش هر یک حزبی خاص تشکیل کرده بودند و از آن میان حزب لهستانیها و چکها از دیگران تواناتر بود. لهستانیها میل داشتند که بایشان استقلال ملی عطا گردد و بر اختیارات دیت سمالیسی^۱ (قسمتی از لهستان اطریش) در امور تجارتي و معارفی و قضائی وصحی افزوده شود.

چکها نیز، پس از آنکه بهنگاری استقلال داخلی عطا شد، در سال ۱۸۶۸ درخواست استقلال داخلی کردند و از فرستادن نمایندگان خویش بمجلس و بن خودداری نمودند و چون دولت در صد دجلو گیری از اقدامات ایشان برآمد سر بشورش برداشتند. پس فرانسوا ژرف جز تسلیم چاره ای ندید و بر آن شد که ایالت بهم را نیز مثل هنگاری استقلال داخلی عطا کند. لکن آلمانهای اطریش با این امر مخالفت کردند و در حقا دولت آلمان را نیز بر آن داشتند که فرانسوا ژرف را از قصد خویش باز دارد. بسمارک هم که در خیال اتحاد با دولت اطریش بود، نگران ایسکه استقلال داخلی بهم مانع مقصود وی تواند شد. بایشان موافقت کرد. از طرفی بهچارها نیز، بواسطه اختلافات دیرینه و از بیم آنکه میادا آزادی اسلاوهای اطریش اسلاوهای هنگاری را هم بحیال تحصیل آزادی اندازد، با استقلال داخلی بهم مخالفت نمودند. نهایت فرانسوا ژرفی از قصد خویش چشم پوشید و مقصود

چکها صورت نگرفت .

چکها تا سال ۱۸۷۹ از فرستادن نمایندگان خویش بمجلس ملی وین امتناع کردند . در سال مزبور بین ایشان و حکومت اطریش موافقتی حاصل شد ، بدینطریق که چکها از استقلال داخلی چشم پوشیده نمایندگان خود را بمجلس ملی وین فرستادند و دولت اطریش نیز در عوض زبان چک را در ایالت بهم رسمی شمرد و دارالفنون شهر پراگ را بدو قسمت آلمانی و چکی تقسیم نمود و امر داد که احکام رسمی را از آنس بهر دو زبان نوبسند . ولی باز اختلافات ملی رفع نشد و پیوسته در مجلس بین نمایندگان چکی و آلمانی بر سر استقلال و زبان نزاع بود و اختلافات مزبور تا پایان جنگ بین المللی و تقسیم ممالک امپراطوری اطریش از میان برنیخاست .

اختلافات ملی در سرزمین هنگری نیز اختلافات ملی ، مخصوصاً در باب زبان ، وجود داشت . مجارها میخواستند که در هنگری زبان خویش را بر سایر ممالک هنگری مانند کروواتها و صربها و رومانیها تحمیل کنند و بهمین سبب آنرا زبان رسمی و اداری شمرده تمام علوم را در مدارس بدان زبان تدریس می کردند . لکن مقصود ایشان کاملاً انجام نگرفت ، چه کروواتها سخت مخالفت نمودند و سر انجام دولت هنگری ناگزیر با آنان از در موافقت درآمد و بموجب قراردادی ایالت کرواسی را تاحدی استقلال داخلی عطا کرد و زبان کروواترا زبان رسمی آن ایالت شمرد . بنابر قرارداد مزبور کروواتها در شهر زاگرب ، دیتی تشکیل کردند که قریب صد نماینده داشت و در امور داخلی از قبیل مسائل قضائی و معارفی و مذهبی مشاوره میکرد . بعلاوه وزارتخانه مخصوصی برای اداره امور کرواسی در هنگری تأسس شد و قوه مجریه آن

ایالت چاکمی که نماینده شاه و مسئول دیت کرواسی بود تفویض گشت. غیر از کراواتها، صربها و رومانیها نیز در صدد تحصیل استقلال داخلی بودند و بقبول حکومت مجارها و زبان ایشان راضی نمیشدند. آرزوی صربها آن بود که از دولت اطریش هنگری مجزا شده بمملکت مستقل همسایه خویش صربستان پیوندند و مخصوصاً فتوحات صربستان در جنگهای بالکان (۱۹۱۲ تا ۱۹۱۳) آتش آرزوی آنان را تند کرد.

رومانیهای ترانسیلوانی^۱ نیز مایل بودند که از هنگری جدا گشته برومانی منضم شوند و درینراه با اقدامات چند متوسل شدند. لکن دولت هنگری محرکین و سران قوم را محکوم و محبوس ساخت و تا پایان جنگ بین المللی از مقصود ایشان ممانعت کرد.

اوضاع اطریش هنگری در آغاز قرن بیستم اوضاع داخلی اطریش هنگری بواسطه اختلافات ملی سخت مغشوش و تیره بود. چنانکه بسیاری از سیاستمداران خارجی تجزیه آن مملکت را پس از مرگ فرانسوا ژرف امری مسلم می پنداشتند. در هنگری پسر کسوت مسبب معروف انقلاب ۱۸۴۸ حزبی تأسیس کرده بود و میخواست هنگری را بکلی از اطریش مجزا نموده باستقلال کامل رساند. لکن احزاب دیگر با این امر مخالف بودند. چه از حمله دولت روسیه که میخواست بر تنگه های بسفر و داردانل دست یابد، بیم داشتند و خود را بمساعدت و پشتیبانی دولت دوست متحدی مانند اطریش محتاج میدیدند.

در اطریش قسمتی از آلمانها مایل بودند که بامپراطوری آلمان منضم شوند. لکن عده آنان محدود بود. تشکیل دولت مستقل

صربستان و فتوحات آن مملکت در جنگهای بالکان نیز برای اطریش
هنگری خطری عظیم محسوب میشد. زیرا چنانکه گفتیم استقلال
و قدرت مملکت مزبور صربهای هنگری را مجذوب نموده بود و آن قوم
آرزو داشتند که روزی از هنگری مجزاشده بصربستان پیوندند. بهمین
سبب بود که در سال ۱۹۱۴ دولت اطریش هنگری در صدد اضمحلال
صربستان برآمد و آتش جنگ عالمسوز بین المملی را برافروخت.

فصل چهاردهم

اوضاع تجاری و صناعی دنیا در قرن نوزدهم و بیستم

در قرن نوزدهم چون اوضاع زندگانی مادی بشر صورت دیگر گرفته بود . در تجارت و صنعت ترقیات فراوان روی داد . ترقیات مزبور اصولاً نتیجه پیشرفت علوم مادی و مخصوصاً علوم طبیعی و شیمی بود که دانشمندان تمام عالم در آن شرکت داشته اند . در قرن نوزدهم با استفاده از قوه بخار برای حرکت دادن ماشینهای کارخانها در امر صنعت ترقیات فوق العاده پدید آمد و چون قوه مزور در حرکت کشتبها و زاده آنها بکار رفت ، و بواسطه کشف قوه رقیق تلگراف و تلفن اختراع شد . فی الحقیقه ممالک عالم بیکدیگر نزدیک گشت و باین نتیجه تجارت رونق گرفت .

تغییرات تجاری و صناعی در قرن نوزدهم چنان سرعت روی داد که هرگاه فی المثل قرن هفدهم میلادی را در صنعت و تجارت از طرفی با قرن نوزدهم و از طرفی با زمان کوروش کبیر پادشاه ایران مقایسه کنیم . خواهیم دید که اختلاف قرن مزبور با قرن نوزدهم به مراتب بیشتر از اختلاف آن با عصر کوروش کبیر است .

در ممالک اروپا تا اواخر قرن هجدهم تمام صنایع با دست انجام میگرفت و از ماشین بهیچوجه اثری نبود . قوای طبیعی فشار آب ، باد و غیره فقط در حرکت چرخ آسیا بکار می بردند . خاکه سنگها ساجی قرن هجدهم را با سنگها پارچه بافی مصریان پانزده قرن پیش از میلاد شباهت تام بود . بنابراین کارخانه بمفهوم کنونی وجود نداشت و اگر هم چینی سازی و پارچه بافی و تربیت

گرم ابریشم و امثال آنها را مؤسسات کوچکی بوده کارگران آن سخت
 معدود بودند و رئیس مؤسسه نیز خود از جمله کارگران بشمار
 میرفت. علاوه برین همیشه جنس را با احتیاط و مطابق احتیاجات
 شهر یا ولایت خویش تهیه میکردند و بدین سبب محصولات صنعتی
 بسیار گران فراهم میشد.

تجارت نیز پیش از قرن نوزدهم بواسطه فقدان وسائل حمل
 و نقل محلی بود و تجارت بین المللی و عمومی رواجی نداشت.
 در تجارتخانههای محلی هر چون مشتریان در دیرها و قریبات
 مملکت پراکنده بودند. فروشنده ناگزیر بود که از پی مشتری
 بر خیزد و اجناس خود را بتوسط دوره گردان نواحی مملکت فرستد.
 لکن فرستادن جنس بنواحی دور دست وسیله حمل و نقل لازم داشت
 و چون یگانه وسیله در آن زمان چهار پاان بودند. شروع در امر
 تجارت امکان ناپذیر بود.

مسافرت نیز تا دو قرن پیش ابری دشوار بود. چه مسافری
 در راههای وسیع با دلچایان و گاری ستر میکردند و راهی را که
 امروز اتوموبیل و راه آهن در بات روز می پیماید در گذشته بزحمت
 می پیمودند. در راههای ناریک نیز مسافرت جز با چهار پاان
 بازکش امکان ناپذیر می نمود. مسافرتی بجز از آنچه گشت
 بمراتب دشوارتر بود. زیرا آسینهای آن زمان جز از خود محرکی
 نداشت و اگر باد مساعدی نمی وزد کشتی از حرکت باز می ماند.
 چنانکه کشتیها غالباً با نظار باد مساعد چند روز در بندر می ماندند.

اختراع ماشین بخار در روز تجارت و صنعت تأثیر
 بسیار کرد. در نواحی ناریک هندسهم یکنفر فرانسوی
 موسوم به دنی پاپین اختراع نمود که از قوه بخار

اختراع ماشین
 بخار

آب در حرکت ماشینها استفاده میتوان کرد (۱۷۰۷) - چندی بعد
 یکنفر انگلیسی موسوم به وات^۱ (۱۷۶۹ تا ۱۷۷۹) قوه بخار آب
 را در ماشین نخ ریزی که تازه اختراع شده بود و همچنین در ماشین
 نساجی بکار برد. پس از وی یکنفر فرانسوی موسوم به کوگنو^۲
 کالسکه بخاری ساخت که ساعتی چهار کیلومتر (یعنی از مرد پیاده
 آهسته تر) راه میرفت. پس از وی نیز فرانسوی دیگر بنام ژوفر^۳
 قایق بخاری اختراع کرد (۱۷۷۶ تا ۱۷۸۳).

اختراع راه آهن در اوائل قرن نوزدهم در یکی از معادن زغال سنگ
 انگلستان برای حمل زغال ماشینی شبیه بکالسکه کوگنو
 ساختند که روی خط آهن حرکت میکرد. لکن ماشین

مزبور بواسطه تقاضی که داشت از بیمودن مسافتات دور عاجز بود
 و بسیار آهسته میرفت. در سال ۱۸۲۹ یکی از مهندسين فرانسوی
 موسوم به سگسن^۴ قسمتی از تقاض محرك راه آهن را رفع کرد
 و در انگلستان شخصی نام استیفسن^۵ وسائل سرعت سیر آنها فراهم
 ساخت. چنانکه از سال ۱۸۳۰ برای حمل مسافریین بلاد لیورپول^۶
 و منچستر^۷ راه آهنی احداث کردند.

چون کشیدن راه آهن مستلزم ساختن راههای صاف و پلها
 و کنادن آنها^۸ بود. در اندک مدتی بلاد مختلفه ممالک متهمنه
 یکدیگر متصل شد و مسافرت از مملکتی بمملکت دیگر، که پیش
 از آن امری دشوار می نمود، آسان گشت. کم کم راه آهن نیز
 تکمیل شد و ر سرعت سیر آن پیفزود، چنانکه امروز قطارها
 در هر ساعت قریب «نزد» فرسنگ راه می پیمایند و بجای دلیجانهای

۱. Watt - ۱ ۲. Cugnot - ۲ ۳. Jouffroy - ۳ ۴. Seguin - ۴

۵. Manchester - ۵ ۶. Liverpool - ۶ ۷. France - ۷ ۸. Steam - ۸

قدیم که پیش از بیست نفر مسافر حمل نمیتوانست کرد ، پانصد مسافر حمل می کنند . علاوه برین بواسطه سرعت سیر و زیادشدن مسافرین درمخارج سفر نیز تفاوت بسیار حاصل شده است و چون مال التجاره را باسانی حمل و نقل میتوان کرد و در هر نقطه دنیا بمشتریان میتوان رسانید ، در امر تجارت نیز ترقی بسیار پدید آمده و از قیمت اجناس بمراتب کاسته است .

چون برای ساختن راه آهن سرمایه بسیار لازمست ، انجام این امر بر افراد مردم . هرچند هم که توانگر باشند ، امکان پذیر نیست . بهمین سبب در ممالک متعمده یا این امر را دولت خود از خزانه مملکتی انجام میدهد و یا شرکتهای بزرگ بدین امر میپردازند . در انگلستان و ممالک متحده امریکا غالب راه آهنها بدستکاری شرکتهای بزرگ تجار کشیده شده ، ولی در غالب ممالک اروپا این امر مستقیماً از جانب دولت صورت گرفته است .

امروز در سراسر عالم متجاوز از يك میلیون کیلومتر خط آهن کشیده شده است و غیر از افریقا تمام قطعات دنیا دارای راه آهنهایست که اقیانوسی را باقیانوس دیگر وصل میکند . نخستین خط آهن سراسری در امریکای شمالی ساخته شده است که شهر نیویورک را بشهر سانفرانسیسکو متصل میسازد و خط مزبور در سال ۱۸۶۹ با تمام رسید . از آنپس چهار خط سراسری دیگر در امریکا ساخته شده است که از آنجمله یکی خط سراسری کاناداست و با این خط از سواحل اقیانوس اطلس چهار روزه بسواحل اقیانوس کبیر میتوان رفت . در امریکای جنوبی نیز يك خط آهن سراسری بین اقیانوس

اطلس و کبیر از شهر بوئنوس آیرس^۱ بشهر والپارزوی^۲ کشیده شده است و چون خط مزبور از جبال آندز^۳ میگذرد ، آنرا ترانس آندین^۴ می نامند .

در اروپا خطوط سراسری بسیار است . از آنجمله یکی **خط آهن سراسری مشرق**^۵ است که پاریس را از طریق وین بقسطنطنیه متصل میسازد و فاصله این سه شهر را سه روزه می پیماید . دیگری **راه آهن سراسری شمال اروپا**^۶ است که از پاریس بمسکو پایتخت روسیه کشیده شده .

در آسیا نیز دولت روسیه يك خط آهن - سراسری از مسکو تا سرحد افغانستان کشیده است که هرگاه از شمال و جنوب افغانستان نیز راه آهنی ساخته شود و خط مزبور را بخطوط آهن هندوستان که حکومت انگلیس کشیده است ، متصل سازد ، از روسیه با راه آهن بسواحل خلیج بنگاله سفر میتوان کرد ، دولت روس خط دیگری نیز از مسکو به **ولادیوستک**^۷ که بندر معظمی در ساحل دریای ژاپون است کشیده . خط مزبور از شهر **چیتا**^۸ دو رشته است ، یکی در امتداد رود آمور از جنوب سیری می گذرد و دیگری سراسر منچوری را طی کرده در بندر ولادیوستک بخط نخستین می پیوندد ، خط آهن سیری را دولت روس در ظرف شش سال از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۲ اتمام رسانید . با این خط در ظرف چهارده روز از پاریس به یکن میتوان رفت . در صورتیکه سابقاً برای مسافرت از پاریس به روسی که ندی در جنوب فرانسه است چهارده روز وقت لازم بود . در آسیای صغیر نیز دولت آلمان راه آهنی ساخته است که

.Andes - ۲	.Valparaiso - ۳	.Buenos - Aires - ۱
	.Orient - Express - ۵	.Tiang - an - ۴
.Tchita - ۸	.Vladivostok - ۷	.Nippon - Express - ۶

بایستی قسطنطنیه را بغداد اتصال دهد ، لکن این خط بواسطه ظهور جنگ بین المللی نا تمام ماند و قسمتی از آن در ناحیه شمالی بادیة الشام هنوز ساخته نشده است . هر گاه این خط با موافقت دول ترکیه و انگلیس با تمام رسد از لندن به هندوستان ده روزه مسافرت میتوان کرد ، در صورتیکه با کشتی از طریق تنگه سوئز لا اقل چهارده روز در راه باید بود .

در افریقا دولت انگلیس تقریباً نصف راه آهنی را که بایستی از قاهره به کاپ منتهی شود و ممالک ساحلی بحر الروم را بنواحی جنوبی افریقا پیوندد . ساخته است .

بحر پیمائی نیز در قرن نوزدهم و بیستم ترقی فراوان کرد و امر کشتی رانی که سخت نامرتب بود ، در نتیجه اختراع کشتی بخار مرتب گردید . کشتیهای کوچک بخاری را نخست امریکاییان در رودخانها برای حمل و نقل مال التجاره بکار بردند ، ولی عبور کشتیهای بخار از اقیانوسها دشوار می نمود . در سال ۱۸۳۸ یکی از کشتیهای انگلیسی موسوم به سیرینوس^۱ از بندر کرک^۲ در ایرلند راه اقیانوس پیش گرفت و پس از هجده روز به نیویورک رسید و کشتی مزبور نخستین کشتی بخاری بود که از اقیانوس اطلس عبور کرد .

پس از آن کم کم کشتی بخار تکمیل شد و انگلیسان از سال ۱۸۳۸ کشتیهای خود را بجای چوب با آهن ساختند و از سال ۱۸۷۷ نیز آهن را ب فولاد که محکمتر بود بدل کردند . در آغاز امر طول کشتیهای بخار فقط هفتاد متر و گنجایش آن ۱۸۰۰ تن و قوه ماشین آن پانصد اسب بخار بود و در هر ساعت بیش از سیزده کیلومتر طی نمیتوانست کرد . حد اکثر مسافرتین

هر کشتی نیز هفتاد نفر بود و برای ساختن اینگونه سفاین قریب يك ميليون و نیم فرانك مصرف میشد . لکن امروز برای ساختن کشتیهای بزرگ تجارتي متجاوز از چهل ميليون صرف میکنند . طول کشتیهای کنونی غالباً از سیصد متر متجاوز است و با هر يك از آنها پنجاه هزار تن مال التجاره و ۳۵۰۰ مسافر حمل میتوان کرد . سرعت سیر کشتیهای جدید نیز در هر ساعت ۴۸ کیلو متر است . چنانکه امروز فاصله انگلستان به نیویورک را در چهار روز و نیم می پیمایند .

زمانیکه کشتی با بادبان حرکت میکرد غالباً تجار بزرگ هر يك چند کشتی داشتند که مخصوص حمل مال التجاره ایشان بود و حمل مال التجاره دیگران را کمتر می پذیرفتند . ولی اختراع کشتی بخار این وضع را متروک ساخت و چون تهیه کشتیهای بزرگ از یک نفر ساخته نبود ، طبعاً شرکتیهای بزرگ کشتی رانی پدید آمدند . بزرگترین شرکتیهای کشتی رانی عالم شرکت **هامبورک آمریکا** است که از سال ۱۸۴۷ تأسیس شده و ۱۰۴ میلیون سرمایه آنست . این شرکت را در سال ۱۹۱۳ ، یعنی یکسال پیش از جنگ بین الملل ۱۷۰ کشتی عظیم بود . در فرانسه و انگلیس نیز شرکتیهای کشتی رانی بزرگ هست که از آنجمله شرکتیهای فرانسوی **مساژری ماری تيم** (۱۸۵۱) و **قرانس اتلانتیک** (۱۸۶۲) مشهور عالمست .

مهمترین خطوط کشتی رانی عالم در اقیانوس اطلس است که بنادر معروف اروپا را به نیویورک و سایر بنادر بزرگ امریکا مربوط میسازد . در اقیانوس کبیر نیز بین سان فرانسيسکو و بنادر استرالیا و ژاپون و چین خطوط کشتی رانی مهم وجود دارد . اکنون در اروپا بنادر ماریسی (در جنوب فرانسه) و ژن و برندیزی (در

ایتالیا) را ابواب مشرق میخوانند . چه غالباً سفائن اروپا بجزم ممالک آسیا ازین بنادر حرکت میکند . در قرون اخیر بحر الروم بواسطه حفر تنگه سوئز بزرگترین راه اروپا با آسیا شده است .

حفر تنگه سوئز بدستیاری فرانسویان انجام یافت . مسبب

اینکار قونسول فرانسه در مصر موسوم به فردیناند دولسپس^۱ بود که دوست میلیون مخارج آنرا نیز از سرمایه داران

فرانسوی تحصیل کرد . حفر تنگه مزبور از لحاظ سیاسی سخت

دشوار می نمود . چه دولت انگلیس بدین امر تن نمی داد و نمی

خواست که دول اروپائی بهندوستان نزدیک شوند . لکن ناپلئون

سوم پادشاه فرانسه بنیروی کوشش مقصود فردیناند دولسپس را انجام

داد و با اجازه دولت عثمانی برخلاف میل دولت انگلیس بحفر تنگه

مزبور پرداخت و بر دسائس انگلستان وقعی نتهاد . حفر تنگه مزبور

از سال ۱۸۵۹ تا نوامبر ۱۸۶۹ یعنی در ظرف ده سال انجام یافت .

طول این تنگه ۱۵۷ کیلومتر (قریب ۲۳ فرسنگ) است . در نتیجه

حفر آن راه دریائی اروپا با آسیا که پیش از آن از جنوب افریقا

بود ، نصف شده است و اکنون از بندر مارسی تا هندوستان را در پانزده روز می توان بیعود .

حفر تنگه در سال ۱۸۸۱ فردیناند دولسپس بر آن شد که اقیانوس

اطلس و کبیر را نیز با حفر تنگه پاناما بیکدیگر اتصال

پاناما دهد . لکن بانجام این مقصود توفیق نیافت و سرانجام

دول متحده امریکای شمالی بدین امر پرداختند و حفر تنگه مزبور

در سال ۱۹۱۴ پایان رسید . طول تنگه پاناما ۷۴ کیلومتر (قریب

۱۱ فرسنگ) است و بواسطه حفر آن راه اقیانوس اطلس باقیانوس

کبیر ، که سابقاً از جنوب امریکای جنوبی بود ، بسیار نزدیک شده است .

۱ - Ferdinand de Lesseps

۲ - رجوع به صفحه ۲۱۰ شود .

هرایمائی و اختراع
 بالن و طیاره
 پس از کشف قوه برق و بکار بردن آن در وسائل
 حمل و نقل بحری و بری فکر ایجاد وسائل
 حمل و نقل جوی نیز در بشر پدید آمد . در
 سال ۱۷۸۳ دو برادر فرانسوی موسوم به **مون گولتییه** در شهر
آنونه بالونی اختراع کردند که از شیدرژن بر میشد و چون گاز
 مزبور سبکتر از هوا بود بر آسمان صعود میکرد و سبب آنکه بدان
 بسته بودند با خود آسمان می برد . اختراع بالن با آنکه بسیار
 اهمیت داشت در قرن نوزدهم چنانکه شایسته بود ترقی نکرد و
 از آن جز در تحقیقات علمی و برخی مواقع سخت ، مانند محاصره
 سال ۱۸۷۰ پاریس ، استفاده نکردند . بالنهای نخستین را یک تیب
 بزرگ بود که در هوا سبیل خود حرکت نمیتوانست کرد و از هر
 جهت مطیع باد بود . لکن پس از کشف قوه برق این عیب از میان
 برخاست و اکنون در **دیپلوزابل** ها ماشینی بکار برده اند که با قوه
 باد مقاومت میکند . کاملترین دیپلوزابلها را در آغاز قرن بیستم **بکنفر**
 آلمانی موسوم **بکت ژیلین** در آلمان ساخت و بهین واسطه قوای
 هوایی آلمان در آغاز جنگ بین المللی بر دشمنان آندولت برتری
 یافت . اکنون نیز زرگترین سفینه هوایی متعلق به آلمانست که
گراف زیلین نام دارد و در سال ۱۹۲۹ چندین سفر از اروپا به آمریکا
 و به سفر بزرگ دور دنیا بدون هیچگونه خطری انجام داده است .
 در آغاز قرن بیستم علما در صدد بر آمدند که مسافرت
 هوایی وسیله ماشینی که از هوا سنگین تر باشد امکان پذیر سازند
 و نتیجه اختراع طیاره ابل آمدند . پرواز با طیاره نخست در

امریکا بوسیلهٔ دو برادر موسوم به رایت^۱ انجام گرفت (۱۹۰۳) ، لکن ماشین مزبور روز بروز کامل شد و مخصوصاً جنگ بین المانی در تکمیل آن سخت مؤثر افتاد ، چنانکه امروز در اروپا و ممالک متحدۂ امریکا تقریباً بین عموم بلاد برای مسافرت خطوط هوائی منظم موجود است .
مهمترین خطوط هوائی آسیا خط قاهره بغداد است که مصر را از طریق آسمان بخط هوائی مغرب ایران متصل میسازد و بدین طریق میتوان در ظرف چند ساعت از طهران بسرزین فراینه سفر کرد .
خطوط هوائی ایران نیز در دو سال اخیر ترقی بسیار کرده است ، چنانکه اکنون بین پایتخت و غالب بلاد ممالک ، مانند رشت و پهلوی و همدان و کرمانشاهان و اصفهان و شیراز و بو شهر و مشهد خطوط هوائی منظم موجود است .

در ماه مه ۱۹۲۷ دو نفر فرانسوی موسوم به شارل نوئر^۲ و کلی^۳ بجزم عبور از اقیانوس اطلس با طیاره ای که مرغ سفید^۴ نام داشت ، از پاریس حرکت کردند . لکن طبیعت با آن دو مساعدت نکرد و در امواج اقیانوس مدفون شدند . در همان ماه یک نفر امریکائی موسوم به شارل لیندبرگ^۵ از اتازونی بجزم پاریس حرکت کرد و زوایا که مردم فرانسه از مرگ هواپیمایان شجاع خویش اندوهناک بوده ، پایتخت آن مملکت فرود آمد . پس از وی نیز چند نفر دیگر از هواپیمایان امریکا مانند بیرد^۶ و چپ^۷ برلین^۸ پرواز ازرحبیده بر قدیم نائل آمدند .

اختراع تلگراف و تلفن هم که نتیجهٔ کشف قوهٔ برقیست . در قرن نوزدهم انجام یافت . در سال ۱۸۳۳ یک نفر آلمانی موسوم به سمس^۹ با اختراع تلگراف

۱ - Wright . ۲ - Nungesser . ۳ - Coll .
۴ - Charles Lindberg . ۵ - L'oiseau Balne .
۶ - Byrd . ۷ - Tchenberlin . ۸ - Gauss .

نازل شد و در سال بعد اختراع ویرا یکنفر تقاش امریکائی موسوم به مرس^۱ تکمیل کرد و برای تلگراف الفبائی ترتیب داد که هنوز هم در دنیا رایجست .

در سال ۱۸۳۶ دول انگلیس و امریکا بکشیدن سیم تلگراف پرداختند و پس از اندک مدتی مخابرات تلگرافی در تمام ممالک عالم متداول گشت . تلفون را نیز نخست یکنفر فرانسوی موسوم به بورسل^۲ در سال ۱۸۵۵ اختراع کرد و یکی از امریکائیان بنام گراهام بل^۳ آنرا در سال ۱۸۷۷ تکمیل نمود . امروزه در امریکای شرقی ترقیات بسیار پدید آمده است . چنانکه بایک سیم در هر ساعت قریب هجده تاییست هزار کلمه مخابره میکنند .

در اواخر قرن نوزدهم بواسطه اختراع تلگراف بی سیم از اشکالات و مخارج فوق العاده تلگراف به مراتب کاسته شد . اختراع تلگراف بی سیم نتیجه زحمات یکی از دانشمندان فرانسه موسوم به برافلی^۴ است که یکنفر از مهندسين ابطال ابانام مارکونی^۵ آنرا تکمیل کرد . در سنوات اخیر نیز اختراع تلفن بی سیم نظری بر حیثات اختراعات و معجزات بشری افزوده است . اکنون از میان دریاها و درون فضا با هر يك از نقاط دنیا رابطه تلفونی و تلگرافی مینوان داشت و حتی در صحاری بی آب و گیاه افریقا نیز بوسیله تلگراف یا تلفون بی سیم از اخبار سراسر عالم آگاه مینوان شد و خطبه باطنین با صدای آواز و ساز خوانندگان نوازندگان ممالک بعیده را میتوان شنید .

پس از استقرار تلگراف در سراسر عالم ، ممالک متمدنه با یکدیگر بوسیله تلگرافی بین المللی منعقد ساختند (۱۸۶۹) و برای قیمت مخابرات نسبت به هر مملکت نرخى واحد تعیین کردند . عاهده

بین المللی تلگراف بی سیم هم در سال ۱۹۰۶ منعقد شد .
اتصال خطوط تلگرافی ممالکی که دریا میان آنها فاصله بود ، تا اواسط قرن نوزدهم دشوار می نمود . در سال ۱۸۵۱ دولتین فرانسه و انگلیس خطوط تلگرافی خود را بوسیله سیم **تحت البحری** ^۱ یکدیگر اتصال دادند . در سال ۱۸۵۷ نیز فکر ایجاد سیم تحت البحری بین اروپا و امریکا پدید آمد و پس از زحمات بسیار دولتین انگلیس و اتریشی با استقرار سیم تحت البحری اقیانوس اطلس . که خطوط تلگرافی ممالکین را یکدیگر متصل می سازد و طول آن ۴۰۰۰ کیلومتر است ، نازل شدند (۱۸۶۶) . پس از آن بتدریج افریقا و هندوستان و چین و استرالیا و امریکای جنوبی نیز با سیمهای تحت البحری با اروپا اتصال یافت . امروز طول سیمهای تحت البحری دنیا بالغ بر ۴۵۰۰۰۰ کیلومتر است که ازین مقدار ۲۸۰۰۰۰ کیلومتر آن در سال ۱۹۱۴ (آغاز جنگ بین المللی) متعلق بدولت انگلیس بود و این خود یکی از اصول قدرت آندولتست که تقریباً وسائل ارتباط سراسر عالم را در دست دارد .

در همان حال که سیمهای تلگراف ممالک دنیا را یکدیگر ترقیات
نزدیک کرد ، امور پستی نیز بواسطه وجود راه آهن
امور پستی وسائل جدیده حمل و نقل ترقیات بسیار نمود .

در سال ۱۸۳۷ یک نفر انگلیسی موسوم به **رولاند هیل** ^۲ تمسیر پست را ایجاد کرد و استعمال تمسیر از سال ۱۸۴۰ مرسوم گشت و بدین وسیله ارسال مراسلات آسان شد . از سال ۱۸۷۴ بسیاری از ممالک عالم اتحاد پستی بین المللی تشکیل کردند و همگی تعرفه بین المللی مشترکی را پذیرفتند . مرکز اتحادیه پستی بین المللی در شهر **برن** ^۳ است .

ولی هر چهار سال یکبار باز نمایندگان دول عضو اتحادیه در یکی از پایتختهای ممالک اروپا گرد آمده راجع بامور پستی و تغییر نرخها و غیره شور میکنند .

ترقی صنایع و حرف

در نتیجه توسعه وسائل حمل و نقل و ارتباط ، صنایع و حرف نیز در قرن نوزدهم رواج بسیار یافت ، چه از طرفی بواسطه استفاده از قوه بخار آب و برق در صنایع و حرف قدیمه . مانند نساجی و استخراج و تصفیه فلزات و امر طبع ، درینگونه صنایع و حرف ترقیات فراوان حاصل شد . و از طرف دیگر صنایع و حرف تازه نیز بر آنجمله اضافه گشت . امروز در تمام ممالک متمدنه دنیا صنعت با علم آمیخته است و مخصوصاً در صنایع جدیده ، مانند صنایع شیمیائی و برقی^۱ تفکیک آندو از یکدیگر امکان پذیر نیست . امروز کارگر واقعی ماشینست و انسان را جز اداره ماشینها کاری نیست . بهمین سبب در تمام صنایع و حرف سرعت و ترقی فوق العاده پدید آمده و کارخانهای کوچک قدیم بکارخانهای بزرگ تبدیل یافته است ، و چون بواسطه سهولت حمل و نقل ارسال مال التجاره بمراکز فروش آسان شده است . غالباً کارخانها را در مراکز تولید مواد اولیه و نزدیک معادن و بنادر تأسیس می کنند و چون کارگران کارخانها را منزل و آسایشگاه لازمست . در اندک مدتی مراکز صنعتی شهری جدید مبدل میشود . چنانکه شهر سنت ایوین^۲ در فرانسه و اسن^۳ در آلمان بدین طریق ایجاد شده است .

در کارخانهای کوچک قدیم همیته جنس را باندازه مشتری تهیه می کردند . اکنون امروز تأسیس کارخانهای کوچک مقرون بصرفه

۱. Industries chimiques et électriques - ۱

۲. Besancon - ۲ ۳. Nancy - ۳

نیست ، زیرا مصرف ذغال يك ماشين بزرگ بمراتب از مصرف ده ماشين كوچك ، كه روى هم باندازه آن كار نميكنند ، كمتر است و بهمين واسطه سرمايه داران مجبورند كه كارخانه‌هاى بزرگ تاسيس كنند و كارگران زياد استخدام نمايند . پس درينصورت مقدار مشتملى را مأخذتوليدجنس نمیتوانندشمرند و چون تعطيل كارخانه موجب ضرر است ، ناگزيرند كه جنس را بيش از احتياج تهيه كنند و بتبليغ و رقابت و وسائل ديگر آنها در بازار هاى عالم بفروش رسانند . سياست تجارتمى عالم از اين تبليغات و رقابتهائى تجارى و صنايعى پديد آمده است ، زيرا در برخى از ممالك بواسطه كثرت معادن و موافقت اوضاع طبيعى و غيره ، توليد اجناس ارزاتر تمام ميشود و تجار اينگونه ممالك طبعاً اجناس خود را ارزاتر از ديگران بفروش ميرسانند . خاصه كه محدود بودن مشتمليان و كثرت جنس نيز خود مسبب رقابت هاى تجارتمىست . پس در غالب ممالك محصول كارخانه‌هاى بيگانه ، بواسطه آنكه از محصول كارخانه‌هاى داخلى ارزاتر است ، رائج ميشود و صنعتگران داخلى ورشكست ميشوند . بهمين سبب است كه دول معظم دنيا براى ترويج اجناس داخلى و جلوگيرى از رقابتهائى خارجى ، بر حقوق گمركى اجناس بيگانه ، كه توليد و ايجاد آن در داخله مملكت نيز ميسراست ، افزوده اند و بدين طريق صنعتگران و تجار خویش را از خطر بيكارى و ورشكست شدن نجات داده اند . علاوه برين رقابتهائى تجارتمى موجب شده است كه غالباً صنعتگران هر مملكت ، تهيه اجناسى كه با مقتضيات طبيعى مملكت ايشان مناسب بوده و از ممالك ديگر ارزان تر تهيه ميشده است پرداخته اند و بدین وسيله اندكى از رقابتهائى خارجى جلوگيرى کرده اند .

چون ايجاد كارخانه‌هاى عظيم و پرداخت حقوق چندين هزار

کارگر و تهیه مواد اولیه از یک نفر ساخته نیست ، و سرمایه داران بزرگ عالم نیز کمتر بچنین امری اقدام میتوانند کرد ، غالباً اینگونه امور باتشکیل شرکتهای سهامی انجام میگردد . بدین معنی که فی المثل برای تأسیس کارخانه ای که صد میلیون سرمایه لازم دارد ، دوست هزار سهم پانصد تومانی طبع می کنند . سپس هر یک از سرمایه داران باقتضای دارائی خویش از آن اسهام میخرند و بهمان نسبت در منافع شرکت سهیم میشوند .

تغییر وضع صنایع و حرف و ایجاد کارخانههای بزرگ در اروپا موجب ازدیاد جمعیت شده است . چنانکه جمعیت آسترزمین که در سال ۱۸۰۰ صد و هشتاد میلیون بالغ بود . اکنون به ۴۵۰ میلیون رسیده است . لکن باید دانست که این جمعیت بیشتر در شهرها و مراکز صنعتی متمرکز است و از جمعیت قراء و قصبات به مراتب کاسته شده . زیرا بیشتر روستائیان و زارعین بامید دریافت مزد کافی رو بکارخانها نهاده و کارگری پیشه کرده اند . از طرفی ازدیاد کارگران و اجتماع ایشان در بلاد و مراکز صنعتی موجب تشکیل احزاب و فرق نازد ای شده است و کارگران برای حفظ منافع خود اتحادیه ها و مجامع خاصی تأسیس کرده اند و چون تعداد ایشان در هر مملکت از سرمایه داران و اشراف و روحانیون بیشتر است ، حکومتهای ممالک آمریکا و اروپا و بسیاری از ممالک آسیا و افریقا نیز بجانب حکومت عامه و حکومت اجتماعی ، منوجه شده و حتی حکومت برخی از ممالک بدست کارگران افتاده است .

فصل پانزدهم

ادبیات و علوم اروپا در نیمه دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم
۱ - ادبیات و علوم در فرانسه

ادبیات و علوم فرانسه در نیمه دوم قرن نوزدهم نیز طراوت و شادابی نیمه اول را از دست نداد. در نیمه دوم قرن مزبور در مقابل تند رویهای رمانتیسیم و اغراق و مبالغه بسیاری که برخی از نویسندگان در آثار خویش روا میداشتند، جمعی از شعرا و نویسندگان سبک جدیدی اتخاذ کردند که آنرا رئالیسم میگویند. طرفداران سبک رئالیسم معتقد بودند که در شاعری و نویسندگی از حدود حقیقت تجاوز نباید کرد و آثار خویش را محکوم تصورات مبالغه آمیز و احساسات شخصی نباید ساخت. این طبقه فی الحقیقه مانند موجدین رمانتیسیم می گفتمند که آثار ادبی باید آئینه حیات واقعی بشر و موجودات جهان باشد، احساسات و عواطف شخصی را از آثار ادبی دور باید داشت و فقط حقیقت محض را باید نگاشت.

در آغاز ایجاد رئالیسم، یعنی در اواسط قرن نوزدهم، ترقی رمانتیسیم بحد کمال رسیده و سبک کلاسیک یکباره ناپود شده بود، لکن از نویسندگان رمانتیک، جز ویکتور هوگو، آثار فراوانی انتشار نمی یافت، زیرا اساتید معروف این سبک یا مرده و یا از نویسندگی کناره گرفته بودند. فقط ویکتور هوگو بنیروی قریحه و استعداد نقصان ناپذیر خویش، تا سال ۱۸۷۵ سبک رمانتیک را در رونق و مقام بلند خویش نگاهداشت و با انتشار شاهکارهای منظوم

و مشهور خود . مانند افسانه قرون و تیره بختان ثابت کرد که سبک جدید رئالیسم را با رمانیسم یا رای برابری نیست .

شعراى فرانسه در نیمه شعر و شاعری در نیمه دوم قرن نوزدهم رونق و رواجی نداشت و شعرائی که در طبقه خویش مبدع باشند معدود بودند . شاعری سبک رمانتیک دوم قرن نوزدهم

راه زوال می پیمود و از شعرای معروفی که بدان سبک شعر می سرودند یکی شارل بودلر است . (۱۸۱۱ تا ۱۸۶۷) که پیوسته در عزلت و انزوا سر میبرد و آثار وی حاکی از افکار اندوهگین و احساسات رفیق اوست .

از شعرائی که هواخواه رئالیسم بودند و بدان سبک اشعاری سروده اند ، یکی لکت دولیل است که در سال ۱۸۲۰ نولد یافت و در ۱۸۹۴ درگذشت . لکت دولیل پسر یکی از جراحان سپاه فرانسه در جزیره رئونیون بود که از آنجا بهندوستان و اقبانوسیه سفر کرد و چون همراه آمد طریق شاعری پیش گرفت و پس از مرگ ویکتور هیرگو در آکادمی فرانسه جاسن وی گردید . از آثار معروف وی یکی اشعار وحشی و دیگری اشعار عتیق اوست که سبک جدید رئالیسم سرودد . زوال بر عالم وجود بدرت بدینی مسگرست و آسایش واقعی را در مرگ و فراموشی میداست و این معنی از اشعار وی بجوی آشکار است .

دیگر از شعرای رئالیست فرانسه سولی پرودم است که نخست مطالعات علمی پرداخت و چندی در کارخانجات شهر گروزو^۲ مهندس بود . لکن عیب شاعری پند کرد و اکنون آثار گرابهائی مانند عزالتها^۳

Leconte de Lisle - ۲ Les Poésies - ۱
 Poèmes barbares - ۲ Le Poète - ۳
 Sully- Prudhomme - ۳ Poèmes et proses - ۵
 Les Solitudes - ۱ Les Solitudes - ۷

و عدالت و سعادت، ازو باقیست که در آنها پرودم مسائل مهمه مقدرات بشری را در ضمن آلام و احساسات درونی خویش بیان کرده است .

شعرای فراسه در نیمه دوم قرن نوزدهم بسیارند . ولی برای رعایت اختصار بدانچه گذشت قناعت میکنیم . شعرای این دوره را با اساتید نیمه اول مقایسه نمیتوان کرد ، زیرا در اشعار ایشان از آن لطف و تأثیری که در آثار هوگو و لامارتین و امثال آنان دیده میشود اثری نیست . برخی از این شعرا در اشعار خویش بسیار اظهار فضل کرده و برخی دیگر در وصف و تجزیه اوضاع طبیعی و تشریح دنیای مجلور خود افراط نموده اند و بدینواسطه آثار آنان خواننده را بواسطه ارائه مناظر طبیعی و نمایش وقایع کوچکی که در عالم روی میدهد ، تاحدی متأثر و خرسند میسازد ، ولی هیچگاه آن هیجان و تأثیری را که از مطالعه اشعار اساتید رمانتیسزم در خواننده پدید می آید ایجاد نمیتواند کرد .

داستان سرایان
در نیمه دوم قرن نوزدهم داستان نویسی نیز صورت
دیگر یافت و نویسندگان این دوره که پیرو سبک
رئالیست بودند مطالب قصص و داستانهای خویش را
براساس مدارك تاریخی دقیق متکی ساختند. از جمله داستان سرایان
معروف نیمه دوم قرن نوزدهم ، یکی **گوستاو فلوربر** است .

فلوربر در سال ۱۸۲۱ تولد یافته بود و در ۱۸۸۰ درگذشت .
در جوانی نخست در تحصیل حقوق پرداخت و چندی با ایتالیا و
ممالک شرقی اروپا مسافرت کرد و چون فراسه از گفت نویسدگی
پیش گرفت ، فلوربر سعی داشت که آنچه در ویسند مقرون بحقیقت

وصحت کامل باشد. سبک نگارش او از لحاظ طرز نویسندگی و توجه باحوال طبقات پست نزدیک بسبک رمانتیک بود و از جهت اینکه در نویسندگی احساسات و تصورات شخصی را مداخله نمیداد و صحت و حقیقت آثار خویش را بر هر چیز مروج میشمرد. باید او را از جمله نویسندگان رئالیست بشمار آورد. از کتب معروف فلور یکی داستان سالامبو^۱ است که در سال ۱۸۶۲ نوشته و در آن قسمتی از زندگی قسیم مردم قرطاجنه را تشریح کرده است. دیگری کتاب مادام بواری^۲ که تصویر صحیحی از اخلاق و اوضاع اجتماعی عصر خود است.

دیگر از دانشمندان سرایان نیمه دوم قرن نوزدهم برادران گنگور^۳ و یکی ادموند^۴ که در ۱۸۲۲ متولد شد و در ۱۸۹۶ وفات یافت و دیگری ژول^۵ که از ۱۸۳۰ تا ۱۸۷۰ درینجهان زیست. این دو برادر نیز از جمله بیروان سبک رئالیست محسوب میشوند و در آثار خویش از قصه بردازی و جعل وقایع چشم پوشیده اند. ذکر حقیق رفته اند. از کتب معروف ایشان یکی داستان ژرمی نی لاسرتو^۶ و دیگری رنه موپون^۷ است. برادران گنگور هر دو از فضایی عصر خود بودند و هر دو را آن لیاقت بود که با آکادمی فرانسه داخل شوند. ولی هیچکس عضویت آکادمی نماندند. همین سبب نمود که دیرتر رحلت کرد در وصیت نامه خود که وصیت نامه ای ادیبست دارائی خویشین را وقف نمود بعد از آکادمی فرانسه انعام بگیرند و نویسندگانی را که بواسطه تجدد و ابداع سبکهای ادب تازه، مورد خشم آکادمی واقع

۱. Salambo - ۲. Madame Bovary - ۳. Goncourt

۴. Edmond - ۵. Jules - ۶. Germinie Lacerteux

۷. Renè Maupou

میشوند بدین وسیله دلجوئی کنند ، یعنی از دارائی وی آکادمی آزادی تأسیس نمایند و ده نفر نویسنده بزرگ زمان را که حق عضویت آکادمی فرانسه را دارند و آکادمی آنان را نمی پذیرد در آن آکادمی پذیرند . آکادمی گنگور از سال ۱۸۹۶ تأسیس شده است و یبوسته ده نفر عضو از نویسندگان درجه اول فرانسه در آن جمعند . نویسندگان مزبور همه سال مستوری گرافی دریافت میکنند تا بدینوسیله در زندگانی مستقل باشند و بتوانند در ادبیات فرانسه اصلاحات اساسی کنند . آکادمی گنگور پس از آکادمی فرانسه بزرگترین مجمع ادبی فرانسه است .

دیگر از داستان سرایان بزرگ فرانسه دریندوره **امیل زولا** است . زولا اصلاً ایتالیائی بود و در سال ۱۸۴۰ در پاریس تولد یافت . ایام جوانی او بفقیر و بیچارگی گذشت ولی عاقبت از طریق نویسندگی توانگر شد . زولا در آثار خویش حیات بشر را بیشتر از جهة شهوات و منافع مادی وی وصف کرده و پست ترین و ناپسند ترین وجوه طبیعت آدمی را آشکار نموده است . از کتب معروف او یکی سلسله داستان **روگن ماکار** است که در پست مجلد نگاشته و در آن احوال اجتماعی و طبیعی خانواده ای را در دوره امپراطوری دوم فرانسه شرح کرده است ، دیگری کتاب **قرزراکن** ^۲ که از جمله شاهکار های او محسوب میشود . زولا در سال ۱۹۰۲ وفات یافت

دیگر از داستان سرایان و نویسندگان معروف نیمه دوم قرن نوزدهم **آلفونس دود** ^۳ (۱۸۴۰ تا ۱۸۹۷) است . دود نخست شاعر بود ولی کم کم بنویسندگی پرداخت و از شاعری چشم پوشید .

۱ - Emile Zola . ۲ - Rougon-Macquart .

۳ - Thérèse Raquin . ۴ - Alphonse Daudet .

آثار معروف او عبارتست از کتاب *چیز کوچک*^۱ و *سافو*^۲ و *مکاتیب آسیای من*^۳ و *حکایات دوشنبه*^۴. در هر يك از کتب مزبور آلفونس دوده بیان اخلاق و روحیات طبقه خاصی پرداخته و چون نقاش ماهری معایب آنانرا مجسم ساخته است.

نویسنده معروف دیگری *دوموپاسان*^۵ است (۱۸۵۰ تا ۱۸۹۸) که آثار وی تصویر روشنی از زندگی اجتماعی مردم فرانسه و جزئیات اخلاق طبقات مختلفه آن مملکت است. از جمله کتب معروف وی یکی *داستان بل آمی*^۶ و دیگری *سرگذشت يك زندگانی*^۷ است. علاوه برین حکایات شیرین *کوچک* بسیار نگاشته که از لحاظ سادگی و روانی و مهارتی که نویسنده در تعریف روحیات و اخلاق مردم ظاهر ساخته بی نظیر است.

بزرگترین نویسندگان و متفکرین اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم *آنانول فرانس*^۸ میباشد. این نویسنده بزرگوار در ماه آوریل سال ۱۸۴۴ میلادی در شهر پاریس تولد یافت. پدرش درین شهر کتابفروشی داشت و چون مردی هنر مند و ادب دوست بود در دکان خویش اهل علم و ادب را گرد آورده با ایشان بمباحثه می پرداخت. آنانول فرانس از همان زمان، چون غالباً در محضر ادبی پدر حاضر بود دل بر ادبیات نهاد و چون در کتابخانه تربیت شد از آغاز کودکی عشق فراوانی بمطالعه و خرید و انتخاب کتب در وی پدید آمد. سرانجام بواسطه مطالعه بسیار و ممارست در خواندن آثار نویسندگان بزرگ یونان و روم و اساتید ادب و شعرای فرانسه در نویسندگی مهارت کامل یافت و بافکار فلسفی قدیم

۱ - Le petit chon - ۲ - Sapho - ۳ - Lettres de mon moulin - ۴ -
۵ - Contes de l'aujour - ۶ - Bel-Ami - ۷ - Guy de Maupassant - ۸ - Anatole France - ۹ - Vu - ۱۰

و جدید آشنا شد .

آناتول فرانس چندی در کتابخانه سنای فرانسه کار میکرد ، چندی نیز در جرائد فرانسه در تقریظ و انتقاد آثار ادبی نویسندگان مقالاتی می نوشت . مجموعه این مقالات اکنون بنام **حیات ادبی**^۱ در چهار مجلد جدا گانه بطبع رسیده است . در سال ۱۸۸۱ بزرگترین تصنیفات وی موسوم به **جنایت سیلواسترینار**^۲ انتشار یافت و از آن تاریخ بعد تقریباً همه سال یکجلد کتاب تازه نگاشت و صفحه ای بر صحائف افتخارات ادبی فرانسه افزود .

کتاب معروف او غیر از آنچه گذشت عبارتست از کتاب **تائیس**^۳ و **باغ ایقور**^۴ و **پی یرنزیرو**^۵ و **جزیره پنگونها**^۶ و **خدایان دشمنه اند**^۷ و **عصیان فرشتگان**^۸ و بسیاری کتب دیگر که ذکر اسامی آنها موجب اطناست .

آناتول فرانس در ۲۴ دسامبر ۱۸۹۶ به عضویت آکادمی فرانسه پذیرفته شد و چون در شش نویسی در مرتبه اول نویسندگان فرانسه بود او را « پادشاه شش » لقب دادند . بالاخره در شب ۱۲ اکتبر ۱۹۲۴ در سن هشتاد سالگی وفات یافت و جسد او را با احترام فراوان از قریه **بشلی**^۹ که مسکن او در سنوات اخیر عمر بود پاریس آورده بخاک سپردند .

از نویسندگان بزرگ معاصر نیز در فرانسه **پول بورژ**^{۱۰} است که در آثار خویش بیشتر بتشریح مسائل مربوط به عالم النفس و اخلاق میپردازد و کتب **شاهگرد**^{۱۱} و **اکاذیب اوارض میعاد**^{۱۲} از جمله

۱ - Le Crime de Sylvestre Bonnard - ۲ - La vie littéraire - ۳

۴ - Tais - ۵ - Le Jardin d'Épikure - ۶ - Pierre Nozière - ۷

۸ - L'île des Pingvins - ۹

۱۰ - La Bechellerie - ۱۱ - La révolte des anges - ۱۲

۱۳ - Mensonges - ۱۴ - Paul Bourget - ۱۵

۱۶ - La Terre promise - ۱۷

آثار معروف اوست .

تآثر نویسی در نیمه دوم قرن نوزدهم خاصه از سال ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ تآثر نویسی در فرانسه ترقی بسیار کرد . تآثر نویسان معروف ایندوره که بیشتر بنمایش حقایق قرن نوزدهم و مطالعه جزئیات اخلاق قوم پرداخته اند دو نفرند ،

یکی **آلكساندر دومای كوچك** و دیگری **امیل اوژییه** .

آلكساندر دومای فرزند دومای بزرگ داستان سرای معروف بود که در سال ۱۸۲۴ متولد شد و در ۱۸۹۵ در گذشت . دومای کوچک از بزرگترین نویسندگان اخیر فرانسه است و برخی مقام ادبی او را از پدرش برتر می‌شمرند . آثار معروف او عبارتست از تآثر های **دام او کامیلا** و **شمی موند** و چند کتاب دیگر مانند **افکار مادام اوبره** و **عیره** که در آنها از برخی مسائل اجتماعی و وجدایی مانند ازدواج و طلاق و امثال آن بحث کرده است . امیل اوژییه (۱۸۲۰ تا ۱۸۸۹) نیز از نویسندگان بزرگ اخیر فرانسه است که در تآثر نویسی رقیب آلكساندر دومای کوچک بود و آثار او حاوی نکات اخلاقی و اجتماعی است . از تآثر های او قطعات **داماد مسیو پواریه** و **ماده شیران فقیر** معروفست . از تآثر نویسان معروف فرانسه پس از سال ۱۸۸۰ **ادموند روستان** (۱۸۶۸ تا ۱۹۱۸) است که قطعات **سیرانودو برژراک** و **اگلن** او از جمله شاهکار های تآثری قرن اخیر بشمار میرود .

. Alexandre Dumas - III - ۱ . Emile Augier - ۲

. La Dame aux Camélias - ۳ . Le Demi - Monde - ۴

. Les Iles de Madagascar - ۵ . Le Gendre de M. Poirier - ۶

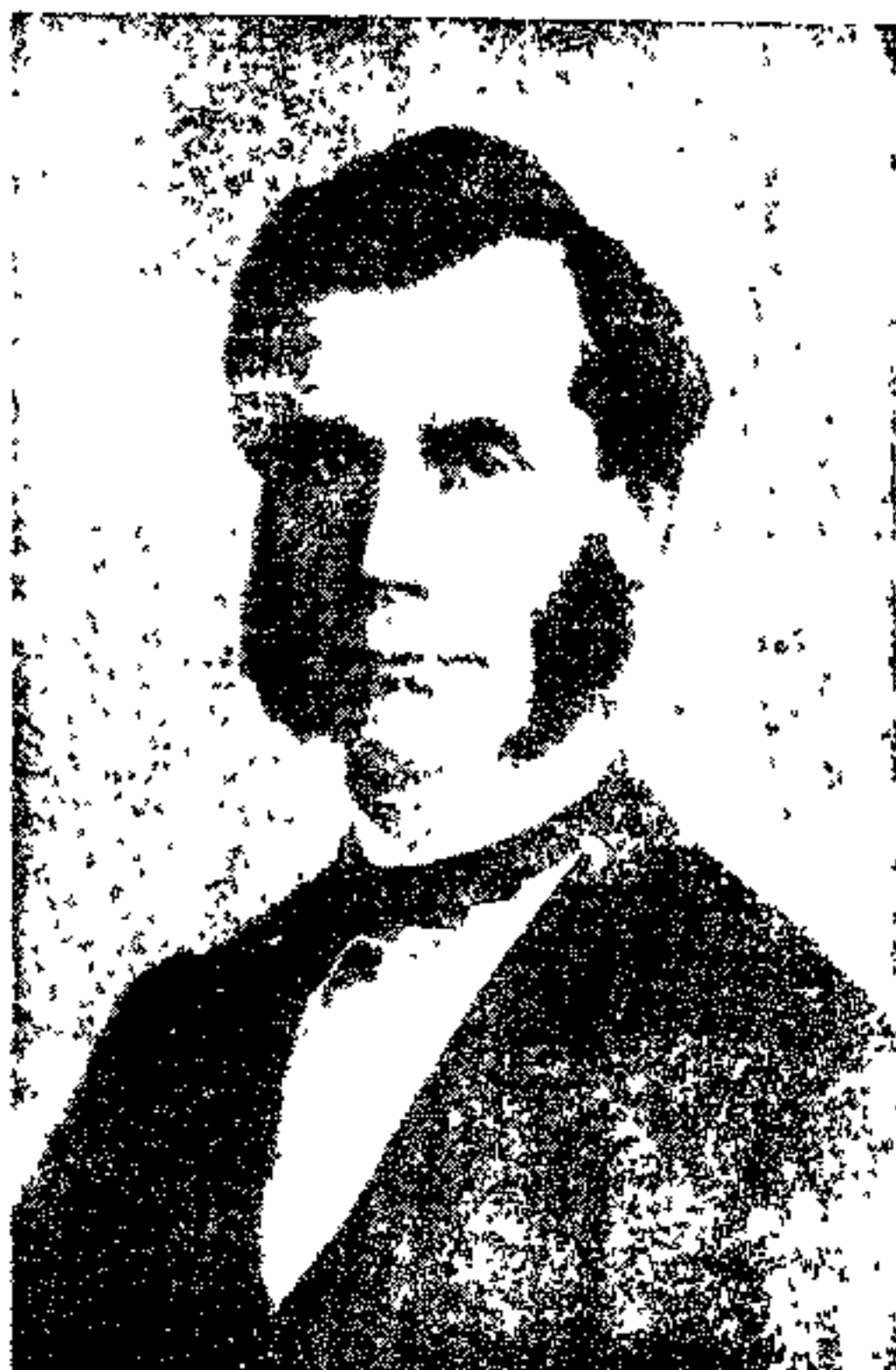
. Les Lionnes - ۷ . Edmond Rostand - ۸

. Cyrano de Bergerac - ۹ . L' Aiglon - ۱۰

مورخین فراسه در نیمه دوم قرن نوزدهم باز در تاریخ نویسی تغییراتی روی داد. در آغاز رواج رمانتیسیم مورخین غالباً در نیمه دوم قرن نوزدهم نویسندگانی بودند که مطالعات تاریخی فی الحقیقه وسیله برانگیختن قوه ابداع و ابتکار ایشان بود و مشکلات تاریخ را بیشتر بدستکاری ذوق و حدس شخصی حل میکردند. لکن در نیمه دوم قرن نوزدهم مورخین از بی حقایق مسلمه روحانی برخاستند و در طرق حل مسائل تاریخی آنها مطالعه کتب و مدارک قدیم و مشاهده آثار و اشیاء کهن را رهنمای خود ساختند و همین سبب مورخین این عصر را **محققین** نام نهاده اند.

درین زمان تاریخ نویسی جنبه علمی یافته بود و مورخین از تحصیل علم آثار قدیمه و خواندن کتیبهها و امثال آن ناگزیر بودند. مورخین معروف این دوره سه نفرند: **تن و رنان و فوستل دو کولانز هی پولیت تن** در سال ۱۸۲۸ متولد یافته بود و پیش از آنکه بتاریخ نویسی بپردازد در انتقادات ادبی از جمله **مشاعر** محبوب میشد. مهمترین آثار **تن** بکمی تاریخ ادبیات انگلستانست که در سال ۱۸۶۳ بانجام رسید و دیگری **اصول فرانسه قدیم** که از سال ۱۸۷۶ تا ۱۸۹۰ بتالیف آن مشغول بود. **تن** در سال ۱۸۹۳ درگذشت. **ارنست رنان** یکی از بزرگان عامای لغت و تاریخ بود. اینمرد بزرگ در سال ۱۸۲۳ متولد شد و چندی بمطالعه السنه شرقی پرداخت و از آنجمله زبان عربی را بخوبی فرا گرفت و همین سبب او را از مستشرقین نیز میتوان شمرد. **رنان** در توصیف احوال روحی و اجتماعی پیشینیان و تصویر تمدنهای قدیم بسیار زبردست بود و از آثار متعدد باقی مانده که از آنجمله **تاریخ اصول دین مسیح** و **تاریخ بنی اسرائیل** سخت معروف است. **رنان** در سال ۱۸۹۲ وفات یافت.

- ۱ - Réalistes - ۲ Hippolyte Taine - ۳
 ۴ - Ernest Renan - ۵ Les Origines de l'ancienne France - ۶
 ۷ - Histoire des origines du Christianisme - ۸
 ۹ - Histoire du peuple d'Israel - ۱۰



فوستول دو کولانز

فوستول دو کولانز ا در سال ۱۸۳۰ در پاریس منوادی شد
و بعد از آن در اتحادیه دارالعلم ادبیات اسراییل و معاونت معلمی دارالمعلمین
سای پاریس و بعد از آن در ۱۷۷۸ معلم دارالانام ادبیات پاریس گشت

زندگانی او سراسر بتحصیل و تألیف و تحقیقات تاریخی و تدریس گذشته است. نخستین کتاب وی که شاهکار اوست کتاب **تمدن قدیم** است. فوستل دو کولانژ در نگارش این کتاب دهسال رنج برد و اینمدت را تماماً بقرائت آثار نویسندگان قدیم یونان و روم گذرانید. چندی نیز برای تکمیل اطلاعات خود یونان سیر کرد. مکرر بشاگردان خود میگفت که « برای یکروز تألیف سالها مطالعه باید کرد ». چنانکه خود نیز کتاب **تمدن قدیم** را پس از ده سال مطالعه در ششماه بانجام رسانید. بگمان او آشکار ساختن حقایق تاریخی بدون مطالعه و دقت در وقایع امکان ناپذیر می نمود. در کتاب **تمدن قدیم** فوستل دو کولانژ تاریخ اجتماعی ممالک ساحل شمالی بحر الروم را از آغاز تأسیس اجتماعات بشری تا زمان استیلای روم بیان کرده و ثابت نموده است که در قرون قدیمه بنیان حکومت بشر بر معتقدات دینی بوده و انسان در تمام اعمال و واجبات و قوانین زندگانی خود، مانند ازدواج و تملک و وراثت و تشکیل اجتماعات و تأسیس مدائن. از معتقدات دینی پیروی میکرده است. سایر آثار معروف فوستل دو کولانژ عبارتست از **تاریخ مؤسسات سیاسی فرانسه قدیم**^۱ که مشتمل بر شش مجلد است و کتاب **کاوش در برخی مسائل تاریخی**^۲ و غیره.

فلسفه در نیمه دوم
 قرن نوزدهم
 فلاسفه فرانسه در اواخر قرن نوزدهم بسیارند و بسیاری از علماء و نویسندگان آن مملکت از جمله فلاسفه محسوب میشده اند. چنانکه تن و رنان را نیز از فلاسفه قرن نوزدهم می شمرند. فلاسفه فرانسه در پندوره میکوشیدند که افکار بلند و دقیق خویش را بزبان ساده زمان ادا کنند و حتی الامکان

۱ - La Cité antique

۲ - Histoire des institutions politiques de l'ancienne France

۳ - Recherches sur quelques problèmes d'histoire

فلسفه و علم را بیکدیگر نزدیک سازند . از جمله فلاسفه فرانسه در نیمه دوم قرن نوزدهم یکی **کلود برنار** ^۱ است (۱۸۱۳ تا ۱۸۷۸) که خود یکی از موجدین فیزیولوژی (معرفت ترکیب حیوان و نبات) بود و در کتاب معروف خویش موسوم به **مقدمه ای بر طب امتحانی** ^۲ فلسفه را از طریق علمی که متکی بر مطالعه و تجربه است به طرز کرده . دیگری **هانری پوانکاره** ^۳ (۱۸۵۴ تا ۱۹۱۲) که از علمای بزرگ ریاضی بود .

ادبیات آلمان در نیمه دوم قرن نوزدهم

ادبیات آلمان در اواسط قرن نوزدهم اندکی رو به ضعف و زوال نهاده بود . لکن چون رمانیسم در فرانسه ظهور کرد در ادبیات آلمان نیز تغییراتی پدید آمد و شعراء و نویسندگان آن مملکت در صدد ایجاد سبکی جدید بر آمدند و بزودی رمانیسم جانشین تصورات شاعرانه دوره رمانیسم گردید . شعرای آلمان در نیمه قرن نوزدهم معدودند و از معروف ایشان یکی **لیبانکرن** ^۴ و دیگری **دهمل** ^۵ است . ولی در عوض داستان نویسی و نثر ترقی بسیار کرد و در بن دو رشته نویسندگان بزرگی پیدا شدند

داستان نویسان داستان نویسان آلمان در نیمه دوم قرن نوزدهم
نگارش داستانهای تاریخی را ترك گفته بتتربیح و
توصیف احوال اجتماعی و وقایع زمان خویش

پرداختند . معروفترین داستان نویسان این دوره **گوستاو فرایتاچ** ^۶ (۱۸۱۶ تا ۱۸۹۰) است که در آثار خویش بیشتر بتجلیل و تعظیم خاندان هوهنزلرن پرداخته و قبول رسوم و آداب ملی پروس را

۱ - Claude Bernard - ۲ - L' Introduction à l'irédologie - ۳ - Henri Poincaré - ۴ - Liebenron - ۵ - Dehmel - ۶ - Gustave Freytag